

در حمایت از جنبش دهقانی

جنبش دهقانی در چند ماهه گذشته و در دوران نبرازات انقلابی مردم ایران رشد چشمگیری کرده اند و هفتادان رنجیده ایران در کنار همه مردم برای بدست آوردن حقوق پایمال شده شان بیامیخیزند. توجه به این جنبشها و متحد و متشکل نمودن آنها یکی از وظایف اساسی کارگران آگاه و نیروهای انقلابی است و اتحاد این جنبشها با مبارزات کارگران رکن اصلی پیشروی انقلاب و پیروزی آنست. در زیر اعلامیه دهقانان منطقه سر- داشتند در مبارزه علیه مالکان و روسای عشایر را چاپ میکنیم.

بقیه در صفحه ۶

حقیقت

ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران

اردیبهشت ۱۳۵۸

شماره ۲۷

انقلاب ایران و تکامل سیاسی آن

طی سالهای ۵۶-۱۳۵۵ مقدمات بحران انقلابی و آغاز نبرد های بزرگ از سال ۱۳۵۶ فراهم گشت.

لیکن در آخرین تحلیل این بحران نظامی هر برخورد شدیدی و درهم کوبنده رشد سریع سرمایه داری ایران با روابط بوسید ه، ورشکسته و به تباهی کشیده و علاج طلب مناسبات نیمه فئودالی و حالت برزخی جامعه مابود که در چارچوب وابستگی اقتصاد مابه امپریالیسم، گذر این رشد ممانعت و خرابکاری میکند، به حدت فوق العاده زود رسوسیده و برای حل خود با دیواره ضخیم روبنای سیاسی جامعه ما، یعنی با حاکمیت فئودال-فاشیستی شاه و دارودسته اش، تصادم یافت. باید این دیواره فرومیرخیخت و فروریخت. بدینسان بحران اقتصادی درون سرمایه داری ایران گما هجوم سرمایه هاوکالا- های امپریالیستی به بازار ایران و دست اندازی موسسات بزرگ وابسته بروسسات متوسط و کوچک در زمینه تولید و توزیع پیوند داشت به منافص اساسی جامعه ایران شدت دامن زد و زمینه انفجار عظیمی را فراهم ساخت. از این لحاظ انقلاب کنونی ایران دنباله منطقی و تکاملی انقلاب مشروطه ایران هر چند در سطحی بدیهتا نوین بود، محتوای اقتصادی-اجتماعی این انقلاب بطور انکار ناپذیری ثابت کرد که مسائل اساسی بورژوازدموکراتیک انقلاب مشروطه و جنبشهای انقلابی پس از آن همچنان موجود بود و هر چند با تظاهر در اشکال و صور نوین و در سطحی نو بدنیال راه حل میگشت. انقلاب ایران پاسخی نو بیک ساله نو نبود بلکه پاسخی کهن بیک مساله کهن ولی در سطح و شرایطی نو میباشد. انقلاب کنونی مانندی انقلاب مشروطه در آغاز پیشروی خود، هیچیز را زیر علم آزادی سیاسی و مخالفت با استبداد نوکر صفت، که مانع رشد بورژوازدموکراتیک جامعه و استقلال بازار و کسب و کار جامعه بورژوازی و وسیله غارت امپریالیستی است، مطرح نساخت.

انقلاب ایران گذاشی از بحران اقتصادی سیاسی حاکم برجامعه و در درجه اول براساس تضاد خصوصیت آمیز میان توده های وسیع خلق

بقیه در صفحه ۲

است. در میان آنچه عامدانه به دست فراموشی سپرده شد، سابقه و ماهیت قره نی، نه بعنوان یک افسر شرافتمند و مبارز، بلکه بعنوان یکی از نوکران و سرسپردگان امپریالیسم آمریکا و مسئول مسقیم کشتار مردم دلاور سندج و توطئه بر علیه دستاورد های انقلاب بود. ما هنوز از انگیزه و ماهیت کسانی که قره نی را بقتل رسانیدند خبر نداریم و نمیدانیم چه کسانی و با چه اهدافی در این جریان دست داشته اند اما یک چیز را خوب میدانیم و ماهیت و انگیزه کشتندگان قره نی نیز نمیتواند آنرا تغیر دهد و آن اینست که قره نی نه یک "خدمتگزار انقلابی" بلکه عامل امپریالیسم آمریکا بود. مدارک وشواهد - هد انکار ناپذیر نشان میدهند که قره نی در کودتای سیاه ۲۸ مرداد نقش فعالی داشت و

بقیه در صفحه ۷

انقلاب ایران نتیجه فراهم آمدن شرایط یک بحران عمومی انقلابی در جامعه بود. بحران انقلابی بر زمینه تکوین و رشد سریع یک بحران اقتصادی-سیاسی همه جانبه که هم طبقات بالا و هم طبقات پایین را دربرگرفت بوجود آمد و توده های مردم را علیه حکومت مطلقه دست نشانده و مظهر آن رژیم سلطنتی، بشوژاند. استبداد مطلقه حاکم بروحده طبقات ملاکان و زمینداران بزرگ، سرمایه داران بزرگ و وابسته و دلال امپریالیسم، یعنی صاحبان تأسیسات و مجتمع های بزرگ صنعتی، تجاری و بانکی، متکی و وابسته بود و از منافع این طبقات و منافع امپریالیستی پشت آنها در برابر مردم دفاع و حمایت میکرد. بعلاوه این حکومت خود تحت حمایت امپریالیسم و مشخصا امپریالیسم آمریکا بود. لیکن صفت مشخصه این حکومت مطلقه فئودال-فاشیستی همانا این بود که این کارگران به دلیل از هر چیز نمایند ه و پاسدار منافع از یکسو، و توده های معین، یعنی دارودسته شاه و "رها" نمودن سرمایه داری و خصلت فئودال کمربند باره چنین وابسته بدان بود، دارودسته است که در همه جامعه باج میگرفت و چون قدرتی ش متناظران ینمای طبقات حاکمه نیز حق و حساب و است و در دلالی برای هجوم اقتصادی و تجارتی امپریالیسم انحصار طلبی نشان میداد. دلایل بلافاصله نابل رویت و فوری بروز بحران انقلابی در جامعه ما همانا در اوج گیری تورم و هجوم اقتصادی و تجارتی امپریالیسم بحر- انزده به بازار ایران و گرایش رکود و کساد ی در صنایع و بازار و نیز سقوط کشاورزی ایران از یکسو و تاخت و تاز دارودسته حاکم با انکاء به درآمد نفت و قدرت مطلقه خود برای باجستانی از همه جامعه و انتقال فشار آنها بر خرد بیو- رژی و توده زحمتکشان از سوی دیگر در طی اوایل سالهای پنجاه بود. آنگاه با سست شدن تکیه گاه های دارودسته حاکم و بهم خوردن وحدت طبقات حاکم از یکسو، بخاطر افتادن جدی منافع اقتصادی و سرخوردگی وجد شدن بور- ژوازی ملی و لیبرال از دست سازی پارویم سیاسی سابق از سوی دیگر و جمع شدن سیل نا- خشنودی و بیقراری توده های خورد بورژوازی و زحمتکش در شهرهای ایران از سوی سوم

قره نی هم شهید شد!

چند روز پیش تیمسار قره نی بضر بسه گلوله به قتل رسید. رادیو و تلویزیون دولتی، روزنامه های صبح و عصر تهران و سخنگویان مختلف دولت و ارتش و روحانیون، همه در سوگ این "اولین رئیس ارتش جمهوری اسلامی ایران" عزادار شدند و از او بعنوان یک "شهید عالیقدر" تحلیل فراوان بعمل آوردند. تشییع جنازه پر زرق و برقی براه افتاد و جنازه او را در تهران گرداندند و در قم نیز طواف دادند و دستگایه های تبلیغاتی دولت نیز فرصت را غنیمت شمرد به گویند "ترور و تروریسم" پرداختند. چنان جار و جنجالی به پا شد که گفتی حقیقتا یک افسر خدمتگزار انقلابی به شهادت رسید

انجمن ها و شوراهای دموکراتیک ارگانهای مبارزه و حاکمیت خلق

فکر تشکیل انجمن ها یا شوراهای انقلابی برای گرفتن امور سررها و دموکراتیک از دست ارگانهای دولتی سایر و مبارزه با ضد انقلاب از زمان اوان پیروزی قیام در بهمن ماه بوجود آمد و حدود یکصد سیویلیت در واقع گام بعدی در تکامل کمیته های اعتصاب و شوراهای مختلف و جدا از همی که در میان کارگران، کارمندان، فرهنگیان و سایر گروه های مردم شهر برای رهبری مبارزه انما علیه رژیم سابق بوجود آمده بود، تشکیل شد. همین انجمن ها یا شوراهای انقلابی نمایندگان گروه های اجتماعی درگیر در انقلاب بود که حاکمیت مسترک انقلابی آنها را بر جای حاکمیت رژیم سابق مسلط ساخته و وظیفه مسترک تعقیب و سرکوب ضد انقلابیون و تشییع انقلاب را بدست خود گیرند. لیکن با تشکیل کمیته های مختلف امام در منادی مختلف عملا در اغلب موارد فکر تشکیل این انجمن ها یا شوراهای نمایندگان عظیم ماند. این کمیته ها که از بالا درست شده و ردبیر آنها به دست تجار، بانکداران و روحانیون و مالکان وغیره

گزارشاتی از مبارزات کارگری در اصفهان

گزارشاتی از تظاهرات کارگری در اصفهان و شهادت یک رفیق کارگر.

در اوایل اسفند ماه کارگران بیکار شده شرکت های هلیکوپتر سازی (جی.اچ.بی.ی. فلور)، پلی اکریل، صنایع نظامی و دیگر کارگران بیکار شده در اصفهان و حومه جمع شده خواسته های خود را مطرح کردند و نمایندگان انتخاب نموده به مسجد آیت الله طهرانی روانه شدند. در مسجد سخنگوی کارگران خواسته های آنان را مطرح نمود و خواستار رسیدگی به وضع اسفبار کارگران بیکار شده میگردد. روحانی مسئول مسجد پس از شنیدن خواسته های کارگران، روی منبر رفته و شروع میکند به موعظه کردن - گوئی اساسا خواسته های کارگران را نشنیدید و کارگران به مسجد رفته اند که به موعظه دینی گوش کنند. پس از شنیدن موعظه روحانی مسئول سخنگوی کارگران اظهار میدارد که موعظه به هیچ وجه جواب خواسته های کارگران را نداد است. در همین حال دستهای از عناصر ظاهرا مذهبی و متعصب مسجد را محاصر کرده شروع به فحاشی و مضروب کردن کارگران مینماید. یکی از کارگران مضروب شده و بعد اخل حوض مسجد می افتد. در عین حال عناصر اخلا لگر چندین شیشه را هم میشکنند و تقصیر را به گردن کارگران که برای داد خواهی به مسجد آمد بودند می اندازند. در روزهای ۲۳ و ۲۴ اسفند گذشته وزیر کار به اصفهان می آید. کارگران بیکار موقعیت را غنیمت شمرد و خود را آماده میکنند که خواسته های خود را تقدیم وزیر کار دولت موقت انقلابی بنمایند. برای این خاطر جمعی به باشگاه کارگران اصفهان یعنی محل سخنرانی وزیر کار میروند. وزیر کار یکی دو ساعته سخنرانی میکند اما کارگران هر چه گوش میدهند

بقیه در صفحه ۳

انقلاب ایران . . . و بخصوص زحمتکشان با رژیم تبهکار پهلوی و اربابانش بود، نیز مانند هر انقلاب دیگر بایک، ردیفی، مقدمات صلح آمیز، روشنگریها و عریضه و تقاضا آغاز گشت. از لحاظ سیاسی، ابتدا از درون محافل حاکمه کفنگویی بخوان راه حل سیاسی بگوش رسید و سپس با حرکت بورژوازی ملی لیبرال صفت حرکت متشکلی بایک برنامه و پیشنهاد سیاسی معین شروع شد؛ آنگاه خرد بورژوازی زیربای بورژوازی طبقاتی کرد و با فشار آوردن به برنامه پیشنهادی و اصلاحی فوق و پیراند نش بیکسو و جنبش سیاسی رادیکال حرکت اصلاح طلبانه بیک حرکت انقلابی تبدیل کرد و سپس با کمک و فشار پرولتاریا، که ابتدا به صورت پراکنده و بعد بصورت یک اعتصاب عمومی سیاسی وارد میدان شد و با قاطعیت دادن به جنبش انقلابی از پشت آنرا هل میداد، برنامه یک انقلاب سیاسی بر جامعه در کل تحمیل گشت. در این تحول اصلاح طلبی به انقلاب - بگیری باز این دانشجویان و محصلین مدارس بودند که نقش پیشگامی را ایفاء کردند؛ ولی در پی شورش های قم و بویژه تبریز بود که نهضت انقلابی واقعا جنبه توده های و همگانی یافت.

اکنون با واسطه و حمایت خرد بورژوازی دموکرات ولی تنگ نظر و متعصب، که صحنه سیاسی انقلاب را اشغال کرده و نیز تصور میکند حکومت موقت تحناله حمایه اوست، بورژوازی ملی و لیبرال ایران در سازش با جناحی از بورژوازی کمرادر و مالکان ارضی سعی در تسخیر مواضع قدرت و تثبیت آن برای خود دارد. این بورژوازی زیر عنوان حکومت موقت از ابتدا کوشید تا از راه مسالمت و قبول امتیازاتی برای امیرالیسم و طبقات حاکمه در دستگاه دولتی و مشخصا در ارتش و نیز در اقتصاد جامعه ضد انقلاب را به سازش با خود و انقلاب را به سازش با ضد انقلاب هدایت کند. قیام بهم ماه تو - دهها و بیامدهای آن عملا این محاسبات را بهم زد. ولی نتیجه فوری آن تسلیم ضد انقلاب در برابر انقلاب بود. هها نبود بلکه تسلیم موقت آن در برابر اصلاح طلبی بورژوازی بود. این موضوع نیز نشان میدهد که خرد بورژوازی که فاقد یک انسجام درونی و تشکیلات مرتب سیاسی و برنامه عمل واقع بینانه است و بویژه در لحظه حاضر خصلت دموکراتیک خود را در حجابی از تنگ نظری و تعصب سنتی اش نمودار ساخته، چگونه بازبجه دست سیاستمداران کاربلد بورژوا که بی هیچ تعارفی میکوشند سرورته انقلاب را در محدوده برنامه و خواسته های خود بهم آورند میشود.

اما بورژوازی ملی در تلاش برای اجرای برنامه و تامین خواسته های محدود خود و تثبیت موقعیت سیاسی در برابر طبقات دیگر، هم با فشار از بالا و تهدیدات امیرالیسم و دست یاراتش و هم با فشار از پایین و توقعات خرد بورژوازی روبروست. او که هم از امیرالیسم و مقاومت ضد انقلاب و هم از توده و ادامه انقلاب میترسد، سعی دارد تا با هر دو طرف کشمکش خفیفی را توأم با مدارا و روشی سازشکارانه پیش برد و بویژه برای آرام کردن حالت روحیه انقلاب در جامعه در برابر ارتجاع و امیرالیسم کوتاه آمده و ضمنا به تنگ نظریهای و تعصبات کور خرد بورژوازی میدان دهد. امیرالیست ها و وابستگان شان به بورژوازی فشار میآورند که انقلاب در همین حد ترمز شود و بیش از این کار بی کارشان نداشته باشد. بورژوازی به خرد بورژوازی فشار میآورد که آرام گیرد و واقع بین تر شود. خرد بورژوازی هم فشار را به رنجبران و پرولتاریا منتقل کرده میگوید تحمل کند و " صبر انقلابی " پیش گیرد. از سوی دیگر پرولتاریا به خرد بورژوازی فشار میآورد و اشتغال و آزادی عمل و سهم خود را میخواهد، و خرد بورژوازی به بورژوازی فشار میآورد که در کار خود کمی عجله کند و تحب الحما یگی خود را فراموش نکند. بورژوازی نیز با فشار بقطعه مافوق و امیرالیست ها با هزار تدارک و مدارا، ملاحظه کاری میطلبد. بورژوازی میخواهد به دست خرد بورژوازی کارگران را خفه کند و از شکل پیشاهنگ آنان جلوگیری و حال آنکه بورژوازی میگوید با واسطه خرد بورژوازی از بورژوازی تضمین و تامین گیرد. بدینسان که مگر خفیف ولی طموس از بالا به پایین و از پایین به بالا در جریان است و این حالت یک دوره موقت و کوتاه است.

در عین حال در پی بیروزی بزرگ بهمین ماه یک جریان انقلابی شدن با تکیه بر خصلت دموکراتیک توده خرد بورژوازی از پایین به بالا در صفوف اقشار وسیع آن رخنه میکند، حال آنکه جریانهای بورژوازی و حتی ارتجاعی مذهبی میکوشند با تکیه بر تنگ نظری ذاتی این طبقه از بالا به پایین آنرا بفرمان خود در آورند. بدینسان جریان تشدد و ناآرامی در صفوف خرد بورژوازی امری ناگزیر است.

تأیید عمومی فعلی نسبت به حکومت موقت و رهبری فعلی انقلاب ظاهری و دارای پایه های سستی است. توده ها در باطن چهار حشمی حکومت را می بینند و منتظرند. فشار از پایین حتی ممکن است بتواند حکومت را از انحصار بورژوازی بد آورده ترکیب جدیدی در راس انقلاب قرار دهد، و در اینصورت انقلاب به رشد خود هر بار بوسیله این اندازد و رادیکالیزه میشود.

اما تناقضات میان حکومت موقت بورژوازی و خلقهای ملیت های گوناگون ایران و نیز تناقضات درونی این ملیتها صحنه سیاسی انقلاب ایران را بفرنج کرده است و کشمکش میان و آشکاری که در مجموع سعی میشود در چارچوب یک وحدت عمومی نگه داشته شود جریان دارد. بعلاوه یک واقعیت اینست که توده خرد بورژوازی و زحمتکشان شهرها و دهات شمالی کشور و آذربایجان و مشخصا کردستان روشن بین تراند و آگاه تر بمسائل دموکراسی برخورد میکنند و این نیز موقعیت کنونی رهبری و حکومت موقت را با تضادها و مخاطرات روبرو کرده و میکند. در این نقاط تشکیل انجمنهای توده های، که بنام های مختلف بوجود آمده و یا میتوانند بوجود آیند، بعنوان آزمایش واقعی قدرت مشترک کارگران، دهقانان و پیشروان ایران و بعنوان یک بدیدای جدا از روش بورژوازی ملی و حکومت موقت وی به انقلاب ایران معرفی میشود. در این میان توده های دهقانان بدون توجه به وعده های خرد بورژوازی شهری و راس بورژوازی ملی و اطهارهایش بنفع مالکان و زمینداران و علیرغم عصبانیت جناح روحانیت وابسته به مالکیت زمین و یا همدست خوانین بازمانده عشایر که میکوشند دهقانان را بروی مسائل فرعی کشیده از مساله اصلی منحرف کند، هرچاکه دستش میرسد و فرصت مییابد جنگ بزمینها انداختن هرچا که نمیتواند چشم به آنها دوخته است. بعلاوه دهقانان در اینجا یا آنجا کنترل ها را بتوسط خودشان با تشکیل انجمنهای دهقانان (نامهای مختلف) آزمایش میکنند. در مقابل بورژوازی زمیندار و مالکان بزرگ و متوسط فشار میآورند که انقلاب در دهات توقف نکند و " حق " آنان در پناه مذهب و توحهات حکومت موقت محفوظ بماند.

تاریا میکوشد با واسطه خرد بورژوازی از بورژوازی تضمین و تامین گیرد. بدینسان که مگر خفیف ولی طموس از بالا به پایین و از پایین به بالا در جریان است و این حالت یک دوره موقت و کوتاه است.

در عین حال در پی بیروزی بزرگ بهمین ماه یک جریان انقلابی شدن با تکیه بر خصلت دموکراتیک توده خرد بورژوازی از پایین به بالا در صفوف اقشار وسیع آن رخنه میکند، حال آنکه جریانهای بورژوازی و حتی ارتجاعی مذهبی میکوشند با تکیه بر تنگ نظری ذاتی این طبقه از بالا به پایین آنرا بفرمان خود در آورند. بدینسان جریان تشدد و ناآرامی در صفوف خرد بورژوازی امری ناگزیر است.

تأیید عمومی فعلی نسبت به حکومت موقت و رهبری فعلی انقلاب ظاهری و دارای پایه های سستی است. توده ها در باطن چهار حشمی حکومت را می بینند و منتظرند. فشار از پایین حتی ممکن است بتواند حکومت را از انحصار بورژوازی بد آورده ترکیب جدیدی در راس انقلاب قرار دهد، و در اینصورت انقلاب به رشد خود هر بار بوسیله این اندازد و رادیکالیزه میشود.

اما تناقضات میان حکومت موقت بورژوازی و خلقهای ملیت های گوناگون ایران و نیز تناقضات درونی این ملیتها صحنه سیاسی انقلاب ایران را بفرنج کرده است و کشمکش میان و آشکاری که در مجموع سعی میشود در چارچوب یک وحدت عمومی نگه داشته شود جریان دارد. بعلاوه یک واقعیت اینست که توده خرد بورژوازی و زحمتکشان شهرها و دهات شمالی کشور و آذربایجان و مشخصا کردستان روشن بین تراند و آگاه تر بمسائل دموکراسی برخورد میکنند و این نیز موقعیت کنونی رهبری و حکومت موقت را با تضادها و مخاطرات روبرو کرده و میکند. در این نقاط تشکیل انجمنهای توده های، که بنام های مختلف بوجود آمده و یا میتوانند بوجود آیند، بعنوان آزمایش واقعی قدرت مشترک کارگران، دهقانان و پیشروان ایران و بعنوان یک بدیدای جدا از روش بورژوازی ملی و حکومت موقت وی به انقلاب ایران معرفی میشود. در این میان توده های دهقانان بدون توجه به وعده های خرد بورژوازی شهری و راس بورژوازی ملی و اطهارهایش بنفع مالکان و زمینداران و علیرغم عصبانیت جناح روحانیت وابسته به مالکیت زمین و یا همدست خوانین بازمانده عشایر که میکوشند دهقانان را بروی مسائل فرعی کشیده از مساله اصلی منحرف کند، هرچاکه دستش میرسد و فرصت مییابد جنگ بزمینها انداختن هرچا که نمیتواند چشم به آنها دوخته است. بعلاوه دهقانان در اینجا یا آنجا کنترل ها را بتوسط خودشان با تشکیل انجمنهای دهقانان (نامهای مختلف) آزمایش میکنند. در مقابل بورژوازی زمیندار و مالکان بزرگ و متوسط فشار میآورند که انقلاب در دهات توقف نکند و " حق " آنان در پناه مذهب و توحهات حکومت موقت محفوظ بماند.

باشد باید ادامه یابد و ادامه خواهد یافت. عمده این مسائل همانا عبارتست از حل انقلابی و نهائی مساله بایه های دموکراسی ایران یعنی مساله ارضی - دهقانی و مساله درهم گویدن کامل و قطعی وابستگی اقتصادی ایران به امیرالیسم و خرابکاری امیرالیسم در رشد آزاد و مستقل جامعه ما. این قدرت، قدرت انقلابی مشترک کارگران، دهقانان و پیشروان ایران، قدرت توده هاست. اما مکه این قدرت بوجود نیامده و این مسائل حل نشده همیشه امکان بازگشت هست.

پس آنچه در پی سقوط وتلاشی رژیم استبداد سلطنتی و تحولات آتی سیاسی جامعه ایران در خطوط کلی میتواند و الزامات باید روی دهد همانا گشایش طبقات اجتماعی بر سر دامنه و عمق دموکراسی و نیز گسترش یک مبارزه ضد امیرالیستی رویاروی است.

تکامل اقتصادی اجتماعی جامعه ما و آرایش طبقات بطور کلی همیشه به تشکیل دو قطب مختلف الرای و رقیب هم در برابر طبقات حاکمه و امیرالیسم میدان داده است، که در شرایط انقلاب یکی متمایل به انقلابیگری و خواهان ادامه و تعمیق انقلاب و دیگری مقید به اصلاح طلبی و خواهان توقف انقلاب و مصالحه میباشد. ولی از لحاظ بین الطلی نیز جامعه ما بویژه در شرایط بحرانیهای سیاسی و انقلابی صحنه رقابت و قطب رقیب امیرالیستی بطور عمده بود هاست، که از تناقضات آن دو قطب و کشمکش های میان آنها بنفع پیشبرد مطامع خود پیش میکوشند. به رهجویی کنند و شرایط لازم را برای تجدید قوا و بوجود آوردن جای بایستی خود و مداخلات خود بدست آورند. این دو قطب در شرایط انقلاب مشروطه، روسیه تزاری و انگلستان و در شرایط انقلاب کنونی آمریکا و اروپا، در حالیکه قطب اصلاح طلبی، اعتدالی و سازشکار در مبارزه حیاتی ملت ایران با امیرالیسم آمریکائیل می آید باید موطوب بود که امیرالیسم روس با پنهان شدن در پس قطب خرد بورژوازی دموکرات جای بایستی برای خود بدست نکند. البته قدرتهای نامبرده از دخالت و مانور در میان هر دو قطب حرکت انقلاب ایران دست نکشیده و میکوشند به تحریکاتی در هر دو سبب بنفع خود دست زنند. بعلاوه همچنانکه در مبارزه ضد امیرالیسم خارجی و مداخلات سوء آن وحدتهایی میان دو قطب درونی گاه میتواند صورت گیرد، در مبارزه برای اسیر کردن ملت و جلوگیری از پیشروی انقلاب میان دو قطب رقیب جهانی و امیرالیستی نیز بنابر مصالح بسین الطلی خودشان میتوانند سازشهایی موقتی مثل آنچه که در انقلاب مشروطه روی داد صورت گیرد و با استفاده از مثلا یک شرایط هرج و مرج داخلی و تشدید کشاکش های طبقاتی و تحریکات ارتجاعی ملاکان و بورژوازی بزرگ بر علیه دموکراسی به دخالت های ناجوانمردانه و قتل و غارت علیه انقلاب ایران اقدام ورزند. دیگر اینکه نظر به فقدان یک انسجام درونی بورژوازی ایران و کشمکشهای میان بورژواها و خرد بورژوازی و از جمله خرد مالکین و مالکین متوسط طبقاتی گوناگون و منافع مستقل خانها و روحانیون عشیرتی و هرج و مرج طلبی آنها، که ضمنا میتواند برانکشاف یک جنبش انقلابی دهقانی تاثیر منفی بگذارد، میتواند صرفینا دو قطب اصراح طلبی و انقلابی جامعه ماد حار اختلاط، تحریف و بشدت بفرنج و بیجیده شود و حدال طبقات اجتماعی برسر دامنه و عمق دموکراسی بایک هرج و مرج و شیوع تحریکات سیاسی روبرو شود، و نیز انکشاف یک نبرد ضد امیرالیستی با رقابت و توطئه این نیروها علیه یکدیگر و مانور ابرقدرات هم آمیزد. از اینرو و حیویتی انکشاف آتی مبارزه طبقاتی و ملی در جامعه ما در شرایط بسیار بفرنجی صورت گرفته و بالمال سیاست و تاکتیک بفرنجی را طلب خواهد کرد.

آن " وحدت کلمه " ای که خرد بورژوازی و بورژوازی ایران اینهمه راجع بضرورت حفظ آن در اصطلاح " دوران سازندگی " و در برابر تحریکات ارتجاع و امیرالیسم تبلیغ و تاکید میکنند قبل از همه بدست خودشان و در میان خودشان به هم خواهند خورد. آنان با تشکیل احزاب و جمعیت های گوناگون بنابر پایگاه و منافع طبقاتی و قشری شان و با تنگ نظری و آمادگی شان برای تحریک شدن توسط امیرالیست ها و اعمال آنها میدان را برای یک هرج و مرج " دموکراتیک " خواهند گشود، حال آنکه این پرولتاریاست که با تمایل غریزی به اتحاد امکان تامین وحدت کلمه واقعی را در اطراف خود و در میان صفوف زحمتکشان جامعه بدست خواهد آورد. دریک کلام اگر پرولتاریای آگاه بوظایف تاریخی خود آشنا نشود و توده های کارگری را در اطراف خود متحد نکند و توده وسیع دهقانان را در کنار خود بسیج و متحد نسازد، خطر آن خواهد رفت که انقلاب ایران در حار هرج و مرج شده و آن وحدت کلمه و اتحاد مستحکی که برای پیگیری انقلاب و مقابله با تحریکات و مداخلات آتی امیرالیسم و پیشروی دوباره ارتجاع داخلی از راه کودتا یا تجاوز لازم است بدست نیاید و حتی این شود که تفرقه بورژوازی و خرد بورژوازی در صفوف توده های کارگری نیز منعکس گردد. تا مین این چنین " وحدت کلمه " و اتحاد نیرومندی چون تکیه گاه مطمئنی برای مبارزات انقلابی اجتناب ناپذیر آتی همه مردم با ارتجاع و امیرالیسم نیز برای خنثی کردن تاثیرات سوء یک انشعاب بورژوازی و پیوستن کامل بخشی از آن بصفوف یک ضد انقلاب تجدید قویافته یک ضرورت تاریخی است.

پرولتاریای آگاه باید بسرعت صفوف خود را دریک حزب انقلابی متحد کند، در میان طبقاتی کارگراتحاد بوجود آورد و با حمایت از خواسته های دهقانان و یاری رساندن به جنبش انقلابی آنها جهت حل مساله ارضی - دهقانی آنها را بنفع خویش تبدیل سازد. نبرد اختن به دهقانان و فراموشی روستا گناه بزرگی است؛ چه این دموکراسی نیم بند وی ریشه ممکن است فریب آید. لید هرج و مرج سیاسی در صفوف مردم، لیت های پارلمانی در مرکز و جنگ و جد رهبر و فرعی و حتی تحریکات ارتجاعی و امیرالیستی در دیگر نقاط ایران، مردم را بمن بستگی کشید که تنها روزبه آن پیشروی دوباره ارتجاع یکسره کودتاگران و یاتجوز کاران و سرانجام نابودی شان دستاورد های انقلاب باشد. پرولتاریای ایرتف مادامکه در جهت ایجاد جنبش اتحاد همسای مستحکی گام برنداشته در برابر سست عنصری سازشکاری و ضد انقلابیگری بورژوازی خودی و ایوب رتونیس و تفرقه جویی قشرهای گوناگون خرد - بورژوازی شهری ناتوان است و حتی ممکن است بازبجه دست احزاب سیاسی پارلمنتاریست، اپورتونیست و ماجراجوی دموکرات و همچنین روبرو بیونیسم گردد، بدینسان انقلاب ایران بجای پیشروی و برداشتن بورژواهای سازشکار از سر راه خود و از مقام رهبریشان قرباتی رضاخانهای جدید، کودتاها و جدید و یارقاتهای شوم امیرالیستی و مانند آنها شده و ناکام بماند.

در حالیکه دستجات خرد بورژوازی و حتی روشنفکران بورژوا با تعلق به کارگران میکوشند آنانرا به مشغول شدن در مبارزاتی فرعی در زمینه گسترش سطحی دموکراسی دعوت کرده و آنها را خسته کنند پرولتاریای آگاه باید دست روی مسائلی ریشه های دموکراسی گذاشته و باد هفانان برای پیگیری انقلاب دموکراتیک و پایه ریزی قدرتهای توده های آینده و همچنین تامین یک سنگر محکی برای یک نبرد ضد امیرالیستی قطعی اتحاد کند. جنگ و جدالهای خرد بورژواها و روشنفکران بورژوا بر سر طبعیات و طبقات و حجاب و غیره، بدون رهبری پرولتری فقط میتواند کرسیهای بیشتری را برای پارلمانناریسم آنان که هنوز هیچ نشده آغازیده، تا مین کند، والا به کارگران و دهقانان بدون تا مین وحدت خود ویرداختن بمسائل اساسی انقلاب حیزی از این میان نخواهد رسید. البته کارگران در کشاکش خود با تقلبات بورژوازی ملی و مالکان و غیره در راه محدود کردن دموکراسی بدست آمده بنفع خود با حد نگهداری ویر - هیز از ماجراجویی های توخالی خرد بورژوازی دموکرات مبارزه خواهند کرد ولی نباید خود را بقیه در صفحه ۳

انقلاب ایران . . .

را بدینها محدود و خسته سازند . شعار آنان گسترش صرفا آزاد پهای د مکرراتیک نیست بلکه تعمیق و ادامه انقلاب د مکرراتیک است . هم چنین در مساله ملیتها نیز پرولتاریای آگاه در عین احترام به حقوق ملیتها از طرح سطحی آن توسط خرده بورژوازی و روشنفکران بورژوازی این ملیتها و همچنین رویزونیستها و اپورتو- نیستها احتراز جسته آنها اولاً بعنوان تابعی از مصالح عمومی انقلاب د مکرراتیک و نبرد مترك ضد امپریالیستی مورد ملاحظه قرار میدهند و ثانیاً آنرا با حل مساله ارضی و احقاق حقوق د هقانان در آن نواحی که ستم ملی مطرح است پیوند دهند . ما در عین افشاء و مبارزه باشور- نیسم فارس و تحریکات ارتجاعی بر علیه مبارزه خلق های غیر فارس و احترام به حق تعیین سرنوشت خود ملیتها بدست خودشان اولاً اجرای این حق را در جارجوب يك ایران متحد و مبارزه يك ملت متحد در برابر امپریالیسم و قدرت های جهانی مطرح داشته و ثانیاً اجرای آنرا در پیوند با حل مساله ارضی - دهقانی در این ملیتها که جزئی از مجموعه انقلاب د مکرراتیک در سراسر ایران است مجاز دانسته و ثالثاً بسا انشعاب در وحدت و در حزب طبقه کارگر بر حسب ملیت و با اجرای طرحهای فدراتیو بعنوان شکل نظام سیاسی مطلوب، یعنی با ایجاد موا- نع حقوقی در روابط اقتصادی و سیاسی میان بخشهای مختلف کشور مخالفیم و آنرا با مصالح ضد امپریالیستی و تکامل اقتصادی جامعه ایران مقابله می‌انیم . بدون در نظر داشتن شرایط فوق مساله ملی خلقها از تابعیت بمساله عمومی ملی ایران و انقلاب ایران گسسته شده و وسیله ای جهت تحریکات خانها ، بورژوا- مالکان و پسا با زیجه رقابتها و نفوذ طلبی های قدرتهای امپریالیستی ، مانند آمریکا و شوروی ، تواند گشت و به جنگ داخلی نامطلوبی ، که بنفع کارگران د هقانان نیست و نتیجه اش تلاشی اتحاد ضد امپریالیستی مردم است ، یا خواهد داد .

تلاش برای حفظ و گسترش آزاد پهای د مکرراتیک بنفع عموم مردم و پایه ریزی يك حاکمیت توده ای در هر جا که آمادگی وجود دارد باید در درجه اول توجه خود را بسوی دهقانان معطوف کند و در مصادره زمینهای مالکان و زمینداران بزرگ و موقوفات و غیره بنفع دهقانان و سپردن اصلا- حات ارضی به انجمنهای دهقانان و همچنین از الغای اقساط ، وامها و اجحافات سابق بر- دهقانان پشتیبانی نشان دهد و به تشکیل قوای مسلح زیر نظر این انجمنها یاری رساند و علاوه کارگران برای بهبود شرایط خود باید برای تدوین يك قانون کار عادلانه و حق بازرسی کارگری و سایر حقوق د مکرراتیک مربوط به خود مبارزه کنند . پرولتاریای آگاه باید از هر پشاش- مدی برای نشان دادن ضرورت تسلیح عمومی خلق و تشکیل دستجات مسلح توده ای زیر نظر انجمنها یا شوراهای توده ای استفاده کند .

در حالیکه بورژوازی ملی مساله تشکیل مجلس موسسان و تدوین و تصویب قانون اساسی جدید را مقدم بر اجرای خواستههای فوق ، که عصاره برنامه حداقل يك حزب کارگری در کشور ماست ، جامیزند ، ما معتقدیم درست با اجرای انقلابی این خواستههاست . اول انجام انقلابی این خواستهها و بدینسان تامین يك شرایط د مکرراتی و آنگاه فراخواندن مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی جامعه جدید . و - ظایف يك حکومت واقعا انقلابی که متکی به قیام و قدرت توده ها باشد ، اینهاست . ولی بورژو- ازی ملی که در کنار قیام توده ها جلویرید و با استفاده از جنبه سادگی و خفتگی ایدئولوژیکی آنان و زمام امور را بدست گرفته و میکوشد قیام را به صلح و صفا و مسالمت جوئی بکشاند و هنوز پارلمان رانگشود و مردم را پارلمانتاریست گرداند ، از او چنان کاری ساخته نیست .

البته هنوز مجلس موسسان گشود نشده و هنوز روحیه انقلابی جامعه در درون آرامش نسبی توأم با " صبر انقلابی " توده ها و فشارها متقابل بین طبقات با بر حاست . مردم نخواستند ، بلکه با انتظارات زیاد و اعتماد بی بنیاد جریان تکامل اوضاع و طرز کار حکومت موقت را میبایند ، و حتی در برخی نقاط پیشرفته کار مطلوب خود را پیش میبرند . علاوه بحران اقتصادی باشدت کامل برقرار بوده و تضاد های طبقاتی متعددی که تا قبل از آغاز " دوران سازندگی " حکومت موقت در يك " وحدت کلمه " عمومی بنهان شده بود بتدریج با بهره یافتن از آزاد پهای بدست آمده آشکارا رشد میکند . اوضاع بین المللی و اقدام امپریالیسم و یاز پهای ارتجاعی ایزد رتها با انقلاب ایران و تلاش ارتجاع داخلی و دست آموزانش در دستگاه دولتی از جمله ارتش هنوز ناپدید نشده و غیره و نیز باید مورد ملاحظه قرار گیرد . بدینسان تاکتیک مشخص کمونیست- ها در قبال مجلس موسسان که بورژوازی ملی می- خواهد فراخواند ، در موقع تشکیل آن ، در باره اینکه ایاد ر انتخابات شرکت خواهند کرد یا خیر در زمان خود و بعدا میتواند تعیین شود . در سیراتی مبارزه طبقات بر سر دامنه و عمق د مکرراتی و در جریان انکشاف يك نبرد ضد امپریالیستی مسائلی که با توجه به اختلافات و نا- روشنیهای درون جنبش کمونیستی برای همه با- ید روشن شود و به آینه د و سرنوشت جنبش ما بستگی دارد عبارتست از : مساله سیاست و تا- کتیک در قبال حکومت موقت و بورژوازی ملی در شرایط حاضر ، مساله ارضی - دهقانی و مقام آن در مبارزه طبقه کارگر در انقلاب د مکرراتیک و ملی کنونی و مساله رویزونیسم و تلاش آن در درون نهضت کارگری و حرکت سیاسی شوروی در در- یان انقلاب کنونی ما . با روشن بودن راجع به این سه مساله میتوان مسائل دیگر را نیز روشن کرد و سیاست و تاکتیک های صحیحی را که به افراد جنبش کمونیستی و یار رنگ باختن در تحو- لات آتی بیانجامد تعیین کرد . ما باید تمام تجربیات گذشته جنبش در ایران و همه جهان را همیشه بر مد نظر داشته باشیم .

مساله ترویج و تبلیغ در میان توده ها و در درجه اول میان کارگران و کمه به تشکلات وظیفه همیشگی کمونیستها بوده و امروز باید با استفاده از آزاد پهای بدست آمده باشدت

حدا ت ادامه یابد ، لیکن مساله اساسی خاص کمونیستهای ایران همچنان ساختمان یسك تشکیلات انقلابی و منضبط سراسری ، و نیز مساله اساسی کار در میان توده ها در نقاطی که آمادگی وجود دارد ، پایه ریزی قدرت توده ایست . ما باید با فعالیت خود برای سازماندهی همه انقلابیون از میان کارگران و توده های زحمتکش دهات و با تلاش در راه اتحاد فکری و عطفی همه کمونیستهای ایران ، جنبش کمونیستی و کارگری ایران را بصورت چنان تشکیلات در آوریم و بد- ینسان ضمن پیگیری در پیشبرد انواع فعالیتها و انجام وظایف ثابت عمومی و دائمی مقابل جنبش کمونیستی برای قیامهای و نبردهای بزرگ آینده آماده شویم .

گزارشاتی از . . . کارگران شروع شده و به مقابل اداره کار و امور اجتماعی منتهی میگردد . صبح روز ۵۸/۱/۶ هزاران کارگر در محل خانه کارگران اجتماعی- نمایند . در خانه کارگران نخست دوتن از نما- یندگان کارگران پشت بلندگو قرار گرفته خواسته های کارگران را مطرح و بازگو کرده و دعوت به راهپیمائی مینمایند . سپس مشخص مشکوک پشت بلندگو میروند و سعی میکند کارگران را از راهپیمائی منصرف نما- ید ، این فرد در اول از انقلاب ایران و رهبر- یش تعریف و تمجید میکند و آنگاه که نوبت به خواسته های کارگران میرسد اظهار میکند که : " کارگران اگر واقعا معتقد به انقلاب و رهبر یش ایمان و اعتقاد دارند باید بجای نان " یونجه هم که شده بخورند و صبر داشته با- شند . "

باشنیدن این جمله کارگران میکرو فون را از دست فرد مذکور گرفته و سیل کارگران بوی حمله ور میشوند . کارگران که قصد داشتند ق- دلی خود را بر سر این فرد خالی کنند با شعار " ساواکی . . . ساواکی " مشت های گره کرده خود را بوی نشان میدهند . فرد مذکور از ترسش به داخل یکی از اماکن جمعیت و در اطراف روبروی خود قفل نمود . در این هنگام کارگران راهپیمای- ثی خود را آغاز کرده و حتی نوبتند اند که روحانی ای که از جانب کمیته امام آمد بود پشت- بلندگو قرار گرفته و صحبت کند . صف راهپیمایی کارگران براه افتاد بود . کارگران شعار میدا- دند " کارگر مسکن ، نان و آزادی میخواهد " ، " کارگر بیکار نباید گردد " و " کارگر اخراج نباید گردد " . هنگامیکه صف راهپیمائی کارگران به نزد يك دانشگاه شهر اصفهان رسید ، سخنگوی کارگران از همه دانشجویان ، استادان و معلم- های مرفی خواست که از خواسته های بحق کار- گران دفاع و پشتیبانی نمایند . دیگر قریب ۲۰۰۰ کارگر بیکار براه افتاد بود و صف رز- مند و کارگران بیکار چون سیلی خروشان در خیابان چهارباغ بالا در حرکت بود .

در این هنگام عناصر مشکوک و مرتجع که امروز با حاجابی ساخته بالعاب مذهب هر جایی که صدای کارگران بلند میشود مثل قارچ از زمین میرویند خود را داخل صفوف کارگران کرده و شروع به تحریک کارگران میکنند . فی المثل این عناصر تحریک میکردند که شعار " کارگر بیکار نباید گردد ، شعاری کمونیستی است " . اما هرگاه در داخل صف راه پیمائی این عناصر دست به تحریک میزدند کارگران با نفرت ولیکن با خونسر- دی جواب آنها را داده و آنها را از صفوف خود دور میکردند .

دستهای دیگر از همین عناصر مشکوک- کارگران پیشرو را که مرتباً با جدیت و گرمی خاصی شعار میدادند محاصره کردند ، سپس از صف راه پیمائی خارج نمودند و او را مضروب میساختند . دیگر صف راهپیمائی به جلوی اداره کار و امور اجتماعی رسیده بود . در آنجا که مسئولین کمیته امام از قبل آماده شده بودند (آقای پرورش بنیان گزار حزب جمهوری اسلامی در اصفهان ، به علاوه يك روحانی) بلندگورا از دست سخنگوی کارگران گرفته در مدت نیم ساعت سخنرانی خود به کارگران قول داد که خواسته های کارگران را به استناد آری اصفهان و وزیر کار و امور اجتماعی برساند و از آنها بخواهد که بخواسته های کار-

کران رسیدگی کنند . سخنرانی آقای پرورش تمام نشده بود که دو کامیون عنصر متعصب و ضد کارگر مانند جترباز در محل حاضر شدند میا این افراد که تجار بازار اصفهان به تعداد وسیعی بحشم میخوردند يك تظاهرات ضد کار- گری و ضد کمونیستی برآوردند اخته شعارهای کار- گران را که روی پارچه سفید نوشته شده بود در مقابل چشم کارگران سوزانیدند و شعار میدا- دند " مرگ بر کمونیست " ، زندیاد جمهوری اسلامی .

اینان به میان صفوف کارگران میریختند و کارگران را مضروب و مجروح میساختند . دهها کارگر مضروب شده و چندین کارگر بشدت مجروح گردیدند .

راهپیمائی کارگران بهم ریخته شد و کارگر- ان بیکار و گرسنه هیچ جوابی که در عمل دردی از دل آنها دوا کند نگرفتند .

روز ۵۸/۱/۶ ما کارگران برای تصمیم گیری به اینکه بالا خره چگونه عمل کنیم و به چه کسی مراجعه کنیم که به خواسته های مان ، که همانند خواسته های سایر کارگران در سراسر ایران میباشد ، رسیدگی نمایند ، در محوطه خانه کارگر اصفهان جمع شدیم و پس از اینکه تعدادی بیش از چند هزار نفر گرد آمدیم تصمیم گرفته شد که راهپیمائی کنیم و مسیرمان از خانه کارگر بظرف چهارباغ بالا و بعد ایستگاه تلویزیون (که بوسیله تلویزیون مردم از خواسته هایمان آگاه گردند) و سپس اداره کار (که در خیابان آئینه خانواقع است) تعیین شد . شعرا- رهائی بوسیله " شورای موقت کارگران " تعیین شد و بر روی پارچه های سفیدی نوشته شده بود و در دست ما بود . بدینگونه ما از آنجا (خانه کارگر) براه افتادیم و تنها شعاریکه میدادیم این بود " حقوق کارگر بروداخت گردد - نباید کار- رگر بیکار گردد " در مسیرمان یعنی در چهار- باغ بالا عدای هم با پلاکاتهایی که ربطی با مساله ما نداشت خود را عاضی ما کردند و همد- ای هم که صرفاً ضد بهم زدن تظاهرات ما را داشتند در سر تظاهرات قرار گرفتند و تظاهرات که قرار بود به جلو ایستگاه تلویزیون کشید ه شو مستقیماً به جلو اداره کار هدایت شد . در جلو اداره کار بخاطر اینکه مادرای يك رهبری در- ست و محکم نبودیم صف ما که تا اینجا متحد بود به چهار بخش تقسیم شد . گروهی پراکنده شدند ، گروهی بوسیله يك نماینده کارگر که از زمان محضر شاه شاه خائن در نمایندگی ماند ه بودند از صف جدا شدند و مابقی که عده زیبا- دی هم بودند با ورود تعدادی از افراد به اصطلاح کمیته های امام و شخصی بنام پرورش ، (یکی از بنیان گزاران حزب جمهوری اسلامی در اصفهان) که خود را " حامی و سحکنوی کار- گران " معرفی میکرد . به دوروی ونمایندگان کار- گران که با این شخص (پرورش) درگیری داشتند جمع شدند . در اینجا درگیری بین نما- یندگان و این شخص و درود ستهاش بوجوب آمد

نمایندگان مایل نبودند بلندگوی دستی کسه متعلق بخودشان بود را بوی و عمالش دهند و آنها بزور بلندگو را از نمایندگان کارگران گرفته و وی را کتک زدند و همانجا به اداره کار بردند و درش را گرفتند و بدینگونه صدای او را خفه کردند . در اینجا افراد کمیته امام خود يك تظاهرات ضد کار- گری و ضد کمونیستی برگزار کردند و هر دانش- جوئی را که در بین کارگران شناسائی میکردند بلافاصله کتک میزدند گویا دانشجویان مجرم بودند که با کارگران راهپیمائی کرده بودند . در حالیکه عده زیادی از محصلین متعصب و نا آگاه افراد کمیته ها را در خرابکاری و کتک زدن کتک میکردند و همین ها کلیه شعارهای ما را بار ه پاره و سوزاندند . در این تظاهرات دو معمم تقریباً جوان هم بودند که آنها نشی خرابکارانه در این تظاهرات ایفا کردند . گروه چهارم از کارگران رایکی از همین ملایان دوباره به خانه کارگر هدایت کرده و بانها گفت که آنجا آفای طاهری (نماینده آیت الله خمینی در اصفهان) خواهد آمد و بدردهای شمارسیدگی خواهد

تحریکات و توطئه ضد انقلابی در آبادان

کمیته "انقلاب اسلامی" آبادان و پاسداران آن مدتیست بازیه دست افراد روسیاهی بنام محمود ذغالی و علی محمدزنده ندهاند، که کاری جز تحریک مردم و بسیج اوپا و چاقوکنان علیه کارگران و نیروهای مترقی ندارند. این افراد از بنگاران بازار آبادان بوده به کار قاچاق از کویت و گرانفروشی نیز پرداخته اند و اگر تا دیروز دکانشان پاتوق ساواکیها بوده امروزه پاتوق چاقوکنان شده است.

روز ۱۳ فروردین بتحریر همینان تعدادی افراد فریب خورده در حالیکه مشتقات و چاقوکنان جلوداری میکردند در محل اعتصاب غذای جوانان دیپلمه و مافوق دیپلم بیکار در حیاض شهرداری آبادان جمع آمده سپس اوپا شمر بور با چاقو و چوب و چماق بجان اعضا پیون، که ۵ روز از اعتصاب غذای آنها میگذشت افتاده بزور آنان را متفرق ساختند. اوپا شمر در حالیکه دشنامهای رکیک به دختران و پسران اعتصابی میدادند و یکی از آنها در بالای یک بلندی بشیوه مشغول کننده های رقص کمر میکرد. اسباب و اثاثیه و حتی یک دستگاه بلندگوی موجود در آنجا را خرد کردند. آنان برای تحریک مردم تماشاچی بدروغ فریاد میکردند که جوانان اعتصابی مزبور در تمامی مدت غذا میخورند و خوشگذرانی میکردند و دشمن دین و ایمان اند و غیره. حال آنکه تا آن روز حدود ۱۵ نفر از اعضا پیون بحالت نخوردن غذا از حال رفته و به بیمارستان منتقل شده بودند. اعتصاب غذای جوانان دیپلمه و مافوق دیپلمه در پی بیش از یک ماه مراجعات مکرر به مراجع قانونی برای تسکین کانون و گرفتن محل قانونی برای آن و بی جواب ماندن این خواستشان صورت گرفته بود. جوانان اعتصابی پس از رویرو شدن با تحریکات ناجوانمردانه یاد شده به محل سندیکای کارگران فصلی و پروژه ای آبادان پناه آورده و در آنجا با استقبال گرم کارگران رویرو شدند. کارگران طی سخنرانی متعذری یوری وحشیانه عناصر ضد انقلابی و اوپا شمر را در شهرداری آبادان و تحریکات محمود ذغالی و علی محمدی را در میان مردم با خشم و انزجار بسیار محکوم کرده و به برادران و خواهران خود که به طبقه کارگر پناه برده بودند درود فرستادند و برای مدتی فریاد درود بر کارگر مسلم بر محصل و شعارهایی به عربی و فارسی در محکومیت عناصر ضد انقلاب در محل سندیکا و اطراف ضمیمین انداز شده بود.

در پی واقعه شهرداری، در بعد از ظهر همان روز (۳۱ فروردین) اوپا شمر و چاقوکنان یاد شده در حالیکه حدود دوهزار نفر از مردم ناآگاه را در پس خود بحرکت در آورده بودند، یکر است بسوی ستاد چریکهای فدائی خلق در آبادان، واقع در خانه فرهنگ سابق هجوم برده و با پرتاب سنگ، از بیرون و تکان دادن چماق و تهدید و دشنامگویی های رکیک خواستار ترك محل توسط هواداران چریکها شدند. در میان مردم که در خیابان جلوی ستاد جمع شده بودند عدای افراد نسبتا مسن و بازاری نیز دیده میشدند که به نام مذهب به تحریک مردم می پرداختند و به فدائیان دشنامهای رکیک ناموسی میدادند. ساعتی بعد کمیته انقلاب اسلامی آبادان عدای پاسدار مسلح به مسلسل دستی ظاهر را برای کمک به فدائیان و جلوگیری از تحریکات در محل حاضر شده و همراه با چند تن از اوپا شمر وارد حیاط ستاد شدند و ۱۴ نفر از هواداران فدائیان را که در محل بودند سوار اتوبوس ویژه ای کرده و به زندان کمیته واقع در ساختمان ساواک سابق آبادان بردند. آنان تمامی اموال ستاد و نشریات و چند سلاح متعلق به فدائیان را نیز با خود به یخما بردند در تمامی این مدت فدائیان خلق برای خشنی کردن تحریکات سوء اوپا شمر و عناصر کمیته دست به هیچ گونه اقدامی نزدند، با آنکه چند تن از ایشان بدست چماق بدستان و سنگ اندازان ناجوانمردانه زخمی شده بودند. در پی این ماجرا، اوپا شمر بداخل ساختمان ستاد ریخته و بجان دیوارهای معلول از عکس شهدا افتاده و هرچه دستشان رسید پاره پاره و نابود کردند. بنا به اطلاع هواداران چریکهای فدائی خلق در زندان کمیته تحت شکنجه قرار گرفته و سپس در غل و زنجیر به تهران خواستاریم.

میروند. به علاوه محمود ذغالی و علی محمدی از فرار در میان مردم افتاده برای گرفتن حکم اعدام اسیران امضاء جمع میکنند.

چندین روز پیشتر از این نیز عناصر کمیته همراه با عدای اوپا شمر و چاقوکنان بسرکردگی همین فتنه جوین یاد شده با ستاد سازمان مجاهدین خلق در آبادان نیز همین معامله را کرده و عدای را اسیر خود ساخته بودند. در همین روزها تحریکات شدیدی بر علیه سندیکای کارگران پروژه ای - فصلی آبادان، که سه هزار نفر عضو دارد، نیز صورت میگرفت ولی هنوز رات نکرده اند به این سندیکا هجوم بیاورند. کارگران بیکار پروژه ای - فصلی حدود دو ماه پیش به تشکیل سندیکای خود همت گماشتند و آنرا به تأیید کمیته انقلاب اسلامی و فرمانداری نیز رساندند و محلی را نیز برای سندیکای خود با کسب اجازه قانونی بدست آوردند. اکنون مدتیست به تحریک دشمنان طبقه کارگر چون ذغالی و محمدی و بهمدستی زعمای محلی حزب جمهوری اسلامی در آبادان یک دم و دستگاه فلابی بنام "اتحاد کارگران" در یکی از مساجد علم شده و بنام مذکور وعده صدقه سعی میشود در میان کارگران بیکار پروژه ای شکاف انداخته شود. لازم بیاد آید است که در همین مسجد و بدست همان افراد یک کانون جعلی بنام کانون تحصیلکردگان نیز برای شکاف انداختن در صفوف جوانان دیپلمه و مافوق دیپلمه که پس از بیش از یک ماه مراجعات مکرر نتوانسته بودند محلی برای کانون خود بدست آورند و در محل شهرداری دست به اعتصاب گذاشته بودند علم شده بود.

در پی این ماجرا و نیز هجوم وحشیانه مشتقات و چاقوکنان بسرکردگی ذغالی و محمدی به نمایندگان سندیکای کارگران پروژه ای - فصلی در محل فرمانداری آبادان، که باعث زخمی شدن عدای از کارگران شد، کارگران هرچه نسبت به اقدام توطئه گرانه "اتحادیه سازی" و همچنین هجوم اوپا شمر و تحریکات فتنه جوین نامبرده اعتراض کردند به جایی نرسید، و حتی رادیو - تلویزیون آبادان نیز کارگران را به باد تهمت و ناسزا گرفت با این اوضاع بود که سندیکای کارگران پروژه ای برای تعیین تکلیف خود با فتنه جوین و اقدامات خیره سرانه آنها و به کرسی نشاندن خواسته ها به حق خود تصمیم به بست نشینی کارگران در محل سندیکا گرفتند، و تاکنون با پشتیبانی بسیاری از گروه های زیادی از کارگران نفت، دانش آموزان و مردم ساکن محلات اطراف سندیکا شده اند.

خواسته های بست نشینان سندیکای کارگران پروژه ای - فصلی برقرار زیر میباشد:

- ۱- مجازات عاملین توطئه از پیش طرح شده در فرمانداری به تحریک و سرکردگی علی محمدی و محمود ذغالی.
- ۲- تکذیب خبر اعلام شده در رادیو نفت ملی، مبنی بر ضد انقلابی بودن کارگران پروژه ای و اعاده حیثیت از طریق رادیو و تلویزیون.
- ۳- برسمیت شناختن کامل سندیکای کارگران پروژه ای از طرف وزارت کار و امور اجتماعی.
- ۴- انحلال اتحادیه فلابی به اسم مجهول و من در آوردی اتحادیه کارگران و تحصیل کرده ها در مسجد بهیمنانیا.
- ۵- پرداخت فوری حقوق بیکاری - نه وام بیکاری - و تامین کار برای کارگران اخراجی و بیکار عضو از طریق سندیکای پروژه ای.
- ۶- کارفرمایان و مقاطعه کاران را با حق استخدام هیچ کارگری را در آینده نداشته باشند مگر از طریق سندیکای کارگران پروژه ای.

مطلع شدیم که دولت برای ۱۲ نفر فدائی دست به پروردسازی زده و آنها را در تهران در حبس نگهداشته است و فعالیت خانواده های این مبارزین و همچنین تحصن دانشجویان نیز تاکنون نتوانسته آزادی این مبارزین را بدست بیاورد. ما بدینوسیله انزجار خود را از این عمل اعلام و آنرا شدیداً محکوم میکنیم و پشتیبانی خود را از خواسته های بحق خانوادها می دستگیر شدگان و تحصن دانشجویان اعلام کرده، آزادی ایمن مبارزین و تعقیب و مجازات عاملین این توطئه را خواستاریم.

گزارشی از مبارزات کارگران شرکت گچ اصفهان (خاص)

گزارش شرکت گچ اصفهان (خاص)
شرکت گچ اصفهان که در بیست کیلومترتری جاده تهران واقع شده حدود ۱۵۰ کارگردارد که ۱۰۰ نفر آنها کارگران تولیدی هستند. حقوق روزانه آنها ۳۰ تومان است و بقیه کارگران فنی مثل تراشکار و جوشکار آهنگر مکانیک و مونتاژکار هستند. این کارخانه یکی از بدترین شرایط کار را در اراست. در روز ۱۲/۲۶ اسفند کارگران باهم وعده میکنند از آنکه یک نفر نماینده تعیین کنند تا خواسته هایشان را به کارفرما بگویند و قرار شد که فردای آنروز همه کارگران بعد از ناهار بیایند توی کارگاه تا صحبت کنند. سر ساعت مقرر کارگران تعمیرگاه که حدود ۲۵ نفر بودند آمدند و گفتند که اینجا که جا نیست برویم آنطرف، سمت راست کارخانه چهار سالن و دفتر هست، تا جای همه ما بشود. موافقت شد و حرکت کردیم بسوی سالن. در همین حین مدیر کارخانه آمد جلوی ما و گفت: کجا میروید؟ گفتیم میخواهیم برویم توی این اتاق و یک نماینده تعیین کنیم. گفتنمیشود. گفتیم چرا؟ گفت برای اینکه شما ضد انقلاب هستید. کارگران دسته جمعی به او گفتند که اگر ما خواستیم نماینده انتخاب کنیم ضد انقلاب هستیم؟ گفت بله. گفتند پس اگر چنین است بگذار باشیم و رفتند بطرف سالن و نشستند. داشتیم سر صحبت را باز میکردیم در مورد خصوصیات یک نفر که میخواهد برای نمایندگی کارگران انتخاب کنیم که یک مرتبه دیدیم همان مدیرعامل آمد در سالن و شروع کرد به صحبت کردن که من خودم یکی از مجاهدان هستم و شماشب و روزیکه ما مبارزه میکردیم کجا بودید که حالا آمده اید و میخواهید نماینده انتخاب کنید و پاشید بروید بیرون، مگر اینجا طویل است کف ما آمده اید اینجا. در جواب او یک نفر از کارگران میا رز بلند شد و به او گفت اگر طویل است پس چرا تو آمده ای تو. که آنگاه مدیرعامل آتش شد و در را زد بهم و رفت. باز ما صحبت را شروع کردیم که ما باید باهم متحد شویم و آری می بینید که اینها میترسند و نمیگذارند تا ما باهم متحد شویم. و بعد یک مقدار صحبت کردیم. راجع به مبارزات کارگران شرکت نفت در دوران انقلاب که دیدیم تا هم آنها باهم متحد نشدند نتوانستند دشمن اصلی را شکست بدهند. در همین موقع دفتر کارمند شرکت وارد سالن شدند و اجازه خواستند که صحبت کنند. آنها با ما کارگران گفتند که ما هم مثل شما کارگر هستیم و آمد ما هم ببینیم که ضد انقلابی توی شما نباشد که این حرف با اعتراض کلیه کارگران روبرو شد و دوباره صحبت از سرگرفتند و حدود یک ساعت طول کشید. تا یک نفر نماینده از قسمت تعمیرگاه و یک نماینده از قسمت تولیدی و دو عضو علی البدل انتخاب شدند و قرار شد که خواسته های کارگران را این دو نماینده با کارفرما در میان بگذارند و جواب آنها را بدهند. در مورد این کارخانه باید گفت که در ۱۰ سال قبل تاسیس شده و با سرمایه دو مهندس که یکی قبلاً در کارخانه سیمان اصفهان کار می کرده و دیگری در کارخانه شهرناز اصفهان بوده است، شروع بکار کرده و سرمایه اولیه آن حدود ۵ میلیون تومان بود. و در حال حاضر یک کوره بزرگ گچ که از آلمان وارد کرده اند تنها حدود ۳۰ میلیون تومان خریداری کرده اند و تولید این کارخانه در روز و شب ۲۰۰ کیسه گچ است که هر کیسه ۴۰۰ کیلوگرم به مبلغ ۱۰۰ ریال میفروشند و در مجموع بیست و چهار ساعت در بیست هزار تومان فروش گچ دارند. هم اکنون سرمایه کارخانه حدود ۸۰ میلیون تومان است.

اما برگردیم به اصل مطلب. اول وقتی همه کارگران رفتند سرکار از دفتر یک نفر آمد واسامی ۴ نفر از کارگران که در این خواسته ها پافشاری میکردند را خواندند و گفت شماره دفتر میخواهند. بدین ترتیب آن ۴ نفر رفتند بعد دفتر آقای مدیرعامل. او گفت که شما از فردا اخراج هستید و بروید تسویه حساب کنید. سؤال شد چرا؟

جواب دادند شما ضد انقلابی و کمونیست هستید بقیه کارگران وقتی از این موضوع با اطلاع شدند همه دست از کار کشیدند و بطرف دفتر آمدند و شروع کردند به دفاع کردن از نمایندگان و خواسته هایشان. یکی از نمایندگان جواب داد و گفت، چرا ضد انقلاب هستم، گفت برای اینکه توی کارخانه اخراج میکنید در جواب گفتند که در رژیم گذشته تا اینکه کارگر اعتراض میکرد اخراج نامیده میشد و حالا هم ضد انقلاب. این خواسته های ما قانونی است و باید بدید گفت، من نهمتها نمیدهم بلکه شماره هم اخراج میکنم. در این موقع تمام کارگران با حالت عصبانیت گفتند ما تو را اخراج میکنیم اصلاً این کار خانه مال ماست و مگر دولت نگفته که کارگر باید حقش را بگیرد. کارفرما گفت یک نفر حرف بزند همه کارگران گفتند ما نماینده داریم و نماینده صاحب اختیار ماست، مدیرعامل شروع کرد به صحبت کردن که ما فقط به این چهار نفر احتیاج نداریم شما بروید سرکار. دوباره همه به این حرف اعتراض کردند، یکی از نمایندگان گفت که میروم به اداره کار شکایت میکنم. گفت بر و شکایت کن. نمایندگان یک شکایت بفرستند و فرستادند و قرار شد فردا به اداره کار بروند. فردای آنروز که به اداره کار رفتند خیلی شلوغ بود کارگران بیکار اجتماع کرده بودند. تعدادی کار میخواستند و تعدادی از کارفرما شکایت داشتند. خلاصه آنها رفتند توی اتاق رییس و نامه را گذاشتند جلوی او و نامه را خواند و گفت بروید کارخانه بگوئید اداره کار کارفرما را میخواهد. نمایندگان رفتند و کارفرما را آوردند اداره کار. در اداره آنها باهم دست دادند و ربوسی کردند. اندک روزی بعد از آنکه به ره حال صحبت شروع شد در حین صحبت تلفن زنگ زد آقای رئیس اداره گوشه را برداشت. طرف مقابل از پشت تلفن میگفت که مقولند آریم و تمام شده و الان کارگران بی کار میشوند. آقای رئیس در جواب گفت بیایینجا تا من حواله بدهم و بعد برو بازار و از حاج حسن مقول بگیر، زود بیا و گوشه را گذاشت زمین. تا زه ما فهمیدیم که این آقای رئیس هم خودش کار خاندن اراست. آقای رئیس پرسید شما نماینده کارگران هستید؟ گفته شد بله. گفت شما حق ندارید بدون اجازه جلسه سخنرانی بگذارید، ببینید آقایان شما اشتباه کردید و حالا هم هیچکاری نمیشود کرد. از او سؤال شد که شما حافظ منافع کارگر هستید یا کارفرما؟ گفت کارگر. یکی از نمایندگان سؤال کرد اصلاً شما این نامه را خواندید؟ گفت بله، در صورتیکه معلوم بود دروغ میگوید. پرسید شد که توی نامه چی نوشته بود؟ و نامه را یکی از نمایندگان از جلوی او برداشت. با دست پاچگی گفت بله آقایان روزها همه دیگه انقلابی شدند و بعد از توی مرحله پرت شد و یکبار گفت آقایان من هیچ کاری نمیتوانم برایتان بکنم و ماهنوز روی قانون رژیم قبلی رفتار میکنیم. به او گفته شد پس توی این کشور مگر انقلاب نشده که شما اینطور میگوی؟ گفت حالا که وضع اینطوریه. باز یکی از نمایندگان گفت از همان موقع که تو با تلفن حرف میزدی فهمیدم که یک آدم ضد کارگری و ما حالا نمیرویم سرکار تا ببینیم تو و امثال تو چطور میخواهین کارخونه را بگردونین. و او آمد اد که تا وقتی یکی از خود ما کارگران پشت این میز بنشیند هیچ فایده ای ندارد، برای اینکه اون حس می کند که ما چه زجر میکشیم و در را زد و همه کارگران رفتند بیرون. در همین حین یکی از نمایندگان برگشت و از لای در نگاه کرد و می گفت که دیدم صاحب کارخانه با آقای رئیس که به اصطلاح حافظ منافع کارگر قرار است باشد می گفت خوب شد و خوب کردی. اونم در جواب گفت خیلی ممنون. که یکمرتبه همه کارگران هجوم آوردند توی اتاق رئیس و هرچی از دهنشان در آمد گفتند. همگی قسم خوردند که اگر این کار مسا

در حایت . . .

(اعلامیه)

افغانی محترم منطقه سردشت،
 در تاریخ ۲۸/۱/۵۸ در قریه پارستان
 اجتماعی مرکب از رؤسای عشایر و مالکیان
 منطقه سردشت در گرد همائی خود اتحادیه‌ای
 بنام "اتحادیه شورای عشایر اسلامی منطقه"
 سردشت بوجود آورد و طی قطعنامه‌ای
 چند ماده‌ای موجودیت خود را اعلام داشته و
 خواسته‌های خود را مطرح ساخته‌اند، لذا
 ما افغانی روستاهای منطقه سردشت، کارگران
 روستائی و خوش‌نشین‌ها، دهقانان زمین‌دار
 و غیره اعلام میداریم که اتحادیه مزبور به هیچ
 وجه اتحادیه ما روستائیان منطقه سردشت
 نبوده و هیچگونه ارتباطی با خواسته‌های ما
 ندارد. درست است که جمعیت روستاهای سردشت
 برابر شهرستان سردشت می‌باشد و
 درست است که شورای شهر توجیهی به خواسته
 های روستائیان این منطقه نمی‌نماید، ولی
 نمایندگان این اتحادیه نه تنها نماینده مسا
 نیستند، بلکه صلاحیت آنها هم ندارند که سخن

گویی ما باشند و از طرف ما و به نام ما خواسته
 های روستائیان را مطرح نمایند. آنها تنها
 نماینده رؤسای عشایر و مالکین منطقه میباشند
 و تنها از طرف خودشان و به نام خودشان می
 توانند نظرات و خواسته‌های خود را مطرح
 سازند. ما امضاء کنندگان زیر ضمن تأیید نظر
 لب‌بالا بدینوسیله اعلام می‌نمائیم که نمایندگان
 واقعی روستائیان باید در تمام مراجع تصمیم
 گیری منطقه شرکت مستقیم داشته و مقامات مسئول
 باید از هرگونه تماس و بند و بست با اشخاص و
 گروه‌هایی که مورد قبول اکثریت این منطقه نمی
 باشند خودداری نمایند. ما پشتیبانی خود را
 از شیخ عزالدین حسینی رهبر مبارز خلق کرد
 اعلام داشته و قطعنامه ۸ ماده‌ای مهیا کرد و
 طرح پیشنهادی سند ج را که از سوی هیئت
 نمایندگی خلقی کرد بدولت تسلیم شده، بطور
 کامل تأیید می‌نمائیم.
 امضاء - ۶۴ نفر از نمایندگان و
 دهقانان ۱۴ قریه منطقه سردشت.

جنگ برادرکشی . . .

همند مردم ترتیب دادند بخوبی باز بشناسند
 در نطقه نیز مانند دیگر شهرهای ایران بر اثر
 مبارزات بیگانه مردم بساطت شهرستانی و ژاندارمری
 ، این دو آلت اجرائی سیاست ضد خلقی حکومت
 مت‌پهلوی برجیده شد و با برجیده شدن این
 دو کانون فساد و ستگری مردم نطقه اعم از کرد
 و ترک کم‌کم بی می‌بردند که تنها در پناه وحدت
 و یگانگی است که قادرند حقوق از دست رفته
 خود را با ست آوردند، ولی فئودالها و مرتجعین
 محلی که اتحاد و یگانگی مردم کرد و ترک را
 خطری برای ادامه حیات ننگین خود و اربابان
 نشان میدانستند و در یافته بودند تنها هنگام
 می‌توانند مجدداً بساطت ظلم و ستم خود را
 پهن کنند که اتحاد و یگانگی مردم جای خود
 را به تفرقه و نفاق داده و بجای نیروهای مسلح
 مردمی، مجدداً پاسگاههای پلیس و ژاندارمری
 مستقر شده و جاقوکان و اوباشان قدرت

گزارش شرکت . . .

درست نشد میرویم اسلحه بدست میگیریم و هر
 جی سرمایه‌دار هست، میکشیم. رئیس گفت کاری
 از دست ما ساخته نیست بروید بیرون. کارگر-
 ان همه ناراحت شدند و آمدند بیرون و ما
 تازه فهمیدیم که چقدر زود اینها سرمایه‌دار
 میکنند.

حالا برویم سر خواسته‌هایمان که چه بود؟

۱- بدلیل اینکه این کارخانه وسایل ایمنی
 ندارد در یک هفته دست‌ود تن از کارگران که
 یکی از آنان هندی بود رفت‌لای دستگاه ویکی
 از آنها ۴ عدد انگشتانش قطع شد و دیگری میچ-
 اش سه جایش شکست. و با اینکه آنها پنج‌ماه
 بود کار میکردند بینه نبودند در حالیکه پول
 بیمه از آنها کم گذاشته میشد. ما خواستار
 رسیدگی به وضع آنها هستیم.

۲- چون در محیط کارخانه همیشه گرد گچ
 فراوان است از آنها خواستیم تا یک اطاق
 برای ناهارخوری ما تهیه کنند. چون کارگران
 قسمت تولیدی ظهر همانجا روی گچها ناهار
 میخورند و قسمت تعمیرگاه هم توی خود کارگاه
 است، غذای سرد بیکه از خانه می‌آوردند نه جای بود
 که بنشینند و نه حتی غذایشان را گرم کنند.

۳- چون مسافت شهر تا کارخانه زیاد بود و
 صبح یکساعت و عصر یکساعت طول میکشید تا به
 کارخانه برسیم و هر روز یازده ساعت وقت صرف
 میشد تا هشت ساعت کارکنیم از آنها خواستیم
 تا این دو ساعت را یا جزء اضافه‌کاری بزنند و یا
 جزء ساعت کار باشد.

۴- کمکهای اولیه اصلاً در این کارخانه مو-
 جود نیست و چون روز گذشته یکی از رفقایمان
 دستش‌لای دستگاه رفته بود و خونریزی شد یکی
 میکرد و تا بیمارستان، مسافت زیادی بود و حتی
 دوی سرخ هم نداشتیم کمرویی دست‌آن‌بریزیم
 خواستار کمکهای اولیه هستیم.

افراد مسلح حزب‌ضمن پراکندگی در بی‌هدف
 به تیراندازی هوایی می‌پردازند. مردم شتاء-
 بان و هراسان به خارج از استاد یوم هجوم می
 آورند و در همین هنگام از خانه‌های اطراف به
 سوی مردم وحش‌نژده تیراندازی میشود. دور
 میدان از پیش‌سنگر بندی شده بود، تیراندازی
 شدت می‌یابد و جنگ کثیف برادرکشی آغاز
 میشود. روز شنبه اول ارد بیبهشت باز هم جنگ
 ادامه می‌یابد و در این کشتار متقابل، سر-
 جمعین دست از تحریک بر نمیدارند. مذاکره
 و گفتگو آتش‌بس که از جانب ملا صالح امام
 جمعه کرده‌های نطقه پیشنهاد شده بود از
 طرف کمیته شماره یک پذیرفته نمیشود. چون
 بیمارستان شیر و خورشید در منطقه ترک نشین
 قرار داشته مجروحان کرد را به آنجا راه‌نمید-
 هند، لذا در نفر دکترا کرد مجبور میشوند با
 وسائل ابتدائی و داروی کم در یک خانه بسه
 مد اوای مجروحان ببرد ازند. وحشیگری و قسا-
 وب و انتقام‌جویی عناصری از طرفین جنگ را
 فاجعه‌بارتر میسازد. از تپهای مشرف بر شهر
 که در اختیار ترکها بود با یک نوع سلاح مرموز
 در زمین دار، از نوع اسلحه‌هایی که در اختیار
 نیروهای ویژه ارتش و ساواک قرار داشت و عمداً
 در اختیار افراد مشکوک واقع شده بود، هر
 جنبنده کردی را مورد هدف قرار میدادند.
 فرماندار مهیاد که در راس هیئتی

فرماندار مهیاد که در راس هیئتی
 برای مذاکره به نطقه میروند، پذیرفته نشد و
 حتی اجازه تماس تلفنی با ملا صالح به آنها
 داده نمیشود و آنان را به گروگان میگیرند.
 ارتش حضور خود را با صدور اعلامیه‌ای چنین
 اعلام میدارد که چنانچه تا ساعت ۴ بعد از
 ظهر روزیکشنبه جنگ قطع نشود، برای میانجی
 گری وارد عمل میشود. شبانه شب ارتش شروع
 به پیشروی میکند. یک روز قبل از ورود ارتش
 "مجاهدین ارومیه"، مجهز به زره پوش مخفیانه
 وارد نطقه شده و به قتل و جنایت میپردازند.
 طبق اطلاع، قبلاً یک نفر از جانب کمیته ارومیه
 به سرپرستی بهداری مراجعه و تقاضای در
 اختیار گرفتن شش آمولانس برای حمل مجاهدان
 به نطقه را می‌نماید که مورد مخالفت سرپرست
 نامبرده واقع شده و میگوید در هیچ جای دنیا
 چنین امری سابقه نداشته است. "مجاهدان"
 ارومیه لباس‌کردی بتن کرده، عکس‌شیخ عزالدین
 حسینی را به زرمپوش نسب نموده و به طرف
 منطقه کرد نشین پیشروی میکنند. مردم به تصور
 "خودی" بودن زره پوش مقاومت نمی‌نمایند و در
 همین هنگام توسط "مجاهدان" و زره پوش‌بسه
 رگبار بسته میشوند. در این ماجرا حتی بعضی
 از افراد مترقی ترک که قبلاً شناسائی شده‌اند
 توسط همان "مجاهدان" ترور میشوند.

ارتش در ریجا وارد عطیات میشود. هم
 زمان با ورود ارتش، هلیکوپترها و فانتوم‌ها
 بر فراز شهر و روستاهای اطراف دست‌به‌ما-
 نوزده، بارها دیوار صوتی را میشکنند. شا-
 بیان توجه است که در مورد نقش ارتش و لزوم
 ایجاد ارتشی مردمی بارها از سوی نیروهای
 انقلابی به مسئولین دولت موقت هشدار داده
 شده است. این ارتش‌چهره‌گریه و ضد مردمی
 خود را در جریان مبارزات یکساله خلقهای ایران
 بارها نشان داده، بعد از سرنگونی رژیم چو-
 سید شاهنشاهی نیز در سرکوب مردم سند ج
 و گنبد چهره خود را نمایان ساخته و حوادث
 نطقه بار دیگر ماهیت ضد مردمی ارتش را به اثبات
 رسانید. در هر سه مورد، برنامه و نقشه به
 این ترتیب بود که عوامل ارتجاع داخلی زمینه
 و مقدمات توطئه را فراهم ساخته و آنگاه که بر-
 خوردها صورت فاجعه‌آمیز بخود گرفته، ارتش
 ظاهراً بعنوان بیطرف و میانجی وارد عطیات
 شده است ولی همیشه به نفع ارتجاع و تسلط
 آنان عطیات را پایان بخشید هاست. قبل از
 ماجرای نطقه در کنار همین ارتش باصطلاح
 ملی، مالکان قدر و زورگوی صومای و برادوست
 ترگوور و مرگور، صد‌ها خانوار کرد "شکاک" را از
 خانه و کاشانه خود بیرون رانده و اموال و دا-
 رایی آنان را ضبط نموده ولی ارتش هیچ اقدامی
 بعمل نیآورد.

بمحض حضور ارتش، افراد مسلح حزب
 د موکرات بدستور رهبری حزب، مردم جنگ زده

نطقه را بدون دفاع‌رها کرده، بطرف دها ت
 اطراف عقب‌نشینی میکنند. تیراندازی مداوم
 "مجاهدان" و تانکها و نبودن نیروی دفاعی
 و مانور فانتوم‌ها باعث وحشت و هراس‌شد و
 زن و مرد و پیر و جوان را از خانه‌های خود
 فراری میدهد. تانکها سیل مردم غیرمسلح
 را دنبال کرده تا وادار به ترک شهر و دیار
 خود نمایند و بدین ترتیب توطئه بیرون راندن
 مردم کرد نطقه از شهر خود شکل میگیرد. با
 حمایت تانکها بمباری از مغازه‌ها و منازل
 منطقه کرد نشین غارت شده و به آتش‌کشیده می
 شوند. ساعت هشت شب، ارتش بر شهر مسلط
 شده اعلام حکومت نظامی می‌نماید و خروج خود
 را از شهر منوط به استقرار مجدد ژاندارمری
 در شهر نطقه میگرداند. اینها نشان میدهند
 که یکی از عوامل اصلی این برادرکشی تصمیم
 دولت به استقرار مجدد ژاندارمری در نطقه
 بوده است. ارتجاع نیز به منظور توجیه جنا-
 یات خود و فریب مردم، در ارومیه دست بسه
 تحریکات وسیعی زده از همان روزهای اول
 تعدادی زن و بچه و عناصر ناآگاه ترک
 را جلو استانداری جمع کرده تا گریه و ناله سر
 دهند و بگویند کرد‌ها همه ما را کشته و نابود
 کرده‌اند و بدین ترتیب احساسات ضد کردی را
 را تقویت نمایند و شعار "ارتش چرا نشستی-
 نطقه شده فلسطین، و . . ." سرد هند.

اکنون در اثر این جنگ و برادرکشی
 هزاران نفر از مردم شهر و دهات اطراف نطقه
 آواره و تعداد زیادی زخمی و کشته و بدون
 کمک باقی مانده‌اند. تمام کرد‌های نطقه خانه
 و کاشانه خود را رها ساخته و همراه زن و بچه
 آواره شده‌اند. بی‌غذائی و کمبود دکتور و در-
 مان در دهات ترک نشین و کرد نشین وجود دا-
 رد. این جنگ به زیان هر دو طرف تمام شده
 است. بعضی از خانه‌ها و مغازه‌های برای-
 دران ترک و کرد غارت شده و به آتش‌کشیده
 شده‌اند.

دهات کرد نشین "ترجین"، "شریف
 الدین" و "سنزی تپه" به کلی خالی از سکنه
 ، غارت و سوزانده شده‌اند. قریه "گه‌لوان"
 بوسیله تانک ویران شده‌است. دهات "مه‌ما-
 ندار"، "تازه قلعه" و "بالخچی" از سکنه‌خا-
 لی شده‌اند. تلفات هر دو طرف بیش از ۲۰۰
 کشته و پانصد زخمی است. یک فضای نواذ-
 پرستانه و کینه‌توزاندر منطقه ایجاد شده،
 حتی عوامل مرتجع در میان و آب‌نیز قصد تحریک
 احساسات مردم را داشته‌اند که خوشبختانه
 آگاهی و هوشیاری برادران ترک و کرد ساکن
 شهر از ایجاد درگیری جلوگیری نمود.

ما ضمن محکوم کردن عوامل ارتجاع و
 امپریالیسم که از احساسات پاک و مردمی خلق
 کرد و ترک سوءاستفاده نموده‌اند، از همه
 مردم آذربایجان و کردستان و همچنین از تما
 می مردم ایران و روحانیون مترقی و سازمانها و
 گروههای مبارز می‌خواهیم که با تمام امکانات از
 شایعه پراکنی و تفرقه‌اننازی بین ملت‌های ترک و
 کرد جلوگیری نموده و زمینه بازگردانیدن مردم
 آواره نطقه را به شهر و دهات خود فراهم
 سازند و از ارسال هر نوع کمک دریغ نوزند.
 از برادران ترک و کرد می‌خواهیم همچنان برا-
 دری و وحدت خود را حفظ نموده و زندگی
 در کنار هم را ادامه داده و علیه هر نوع تو-
 طئه‌ای مبارزه نمایند.

وظیفه تمام انسانهای مبارز و شرافتمند
 است که با توطئه‌های خائنین را افشاء نموده
 وحدت و یکپارچگی خلقهای ایران را در ما-
 رزه علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم تحکیم
 بخشند. وظیفه همه مردم شرافتمند است که
 آگاهانه نقشه‌های شیطانی عوامی سرسپرده
 خارجی و داخلی را افشاء و هر کسی را که
 قصد شایعه‌پراکنی و تبلیغات نواذ پرستانه
 و تفرقه‌اندازانه ملی و مذهبی را داشته باشد
 در هر لباسی رسوا نمایند.

هرچه مستحکمتر باد پیوند خلقهای ترک و کرد
 ننگ و نفرت بر عوامل مرتجع تفرقه‌انناز و فرصت-
 طلب.

(شورای هماهنگی جمعیت‌های کردستان)

درباره وقایع... آن مهندس " مهدی بازرگان " یا " عبداله صالح " باشد پیشرفت دین را هر چند در لباس تسنن هم باشد بخصوص در برابر خطر عظیم ماتریالیسم مهاجم حزبی آنقدر ارجح می نهد که برای پرداختن این هزینه نماند حتی - تعلل و تاخیر در این شرایط فوق العاده ناسازگرفته بحرانی روان دارد . " می بینید که مفتی زاده در مقابل انقلاب به چه کارهایی که دست نمی زند ، صرف بودجه " ناچیز " ، ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان در ماه " برای " مروجینی " که ۹۹٪ " یا بقول خودش " اکثریت قریب به اتفاق " مداح شاهنشاه اسلام پناه " بودند و با " ایمان و اخلاص " ، به انجام " وظایف محوله " مشغول بودند ، برای چه ؟ برای مقابله با " موجه ای هو - لئانک مادی گری " و " خطر عظیم ماتریالیسم حزبی با چنین سابقه ای انتخابات شورای سنندج شروع میشود . مفتی زاده قبل از انتخابات کارزار کثیف و مرتجعانه ای را بر علیه نیروها - ی مترقی آغاز میکند و زیر عنوان " کمونیست ها دشمنان قرآن و مذہب شما هستند و جهاد با آنها ثواب دارد " شرایط را آماده میکند . هنوز چند ساعتی از آغاز رأی گیری نگذشته ، اینان تلاش مذبحانهای را برای جلوگیری از ادامه انتخابات شروع میکنند . اعلام میاز پیش آماده شد هایداد شهر بخش میکنند و فریاد " تقلب ، تقلب " سر میدهند و با تحریک نوجوانان ناآگاه دست به تظاهرات میزنند و با شعار هایی چون " برای حفظ قرآن آماده جهادیم " ، " ساواکی دیروز ، کمونیست امروزی " و " فقط اسلامی " در خیابانهای سنندج براه می افتند . اما از آنجا که تعدادشان از ده هزار تجاوز نمیکنند ، بد اخل بازار و مدارس ریخته و گاه بزور اسلحه بازار را تعطیل و در بسیاری از مدارس چون شاپور ، مستور ، اشرف دهقانی ، شیشه ها را میشکنند و دانش آموزان پسرود ختر را مضروب میکنند . آنها دختران را مضروب و به درون حوض مسجد جامع میاندازند و به کارگران نیز حمله میکنند . نیروهای مسلح مفتی زاده ، محل های اخذ رأی را محاصره میکنند و بسه ارباب مردم دست زده و خواستار ضبط صندوق های رأی میشوند و بعدا نیز با صدور قطعنا

قرنی هم... بعد از کودتا نیز همراه بختیار جلال مستوف - لیت کشف و نابودی مبارزین و بخصوص سازمان افسری حزب توده را بعد هداشت و فعالانه در راه میکوشید . در سالهای بعد او یکی از مهره های باند آمریکائی " امینی - ارسنجانی " بود که میخواستند به نفع جناحی از امیریالیسم آمریکا در ایران کودتا کنند و به همین خاطر از جانب باند شاه دستگیر و مدتی بزند ان افتاد . او پس از " آزادی " از زندان برای مدتی کنار رفت و چون " امینی " برای روز صبادا نگر داری شد . در دوران اوج جنبش او به صحنه برگشت و به ایفای نقش يك " انقلابی و آتشه " پرداخت . او در این دوران نیز دست از تو - طئه بر علیه مردم و آزادی و استقلال ایران بر نداشت . او زیر عنوان " بازسازی ارتش " حفظ ارتش شاه سابق را در نظر داشت و بعنوان مختلف حفظ مستشاران آمریکائی را در ایران توجیه می نمود . در جریان وقایع سنندج ، بدستور مستقیم او صد هانفر زن و مرد و کودک بیگناه به گلوله بسته شدند . او يك توطئه چین و عامل امیریالیسم آمریکا بود و نه يك شهید . راد یو و تلویزیونی که اینقدر برای او اشگر ریخت و سوگواری کرد ، آیا نرهای از این اندوه را در مورد صد ها قربانی همین قرنی در کردستان بکار برد ؟ به هیچ وجه . آیا کوشید تا حتی گوشه ای از زندگی ننگین قرنی را به مردم ایران نشان دهد ؟ خیر ، چنین نکرد .

انجمنها و... متوجه خد انقلاب شد و در برابر تشبشات و حرا بکار و عوامل رژیم سابق بکار رفت . از اینرو این کمیته ها و پاسداران مسلح زیر فرماندهی آنها تا اینجا و تا این حد مورد پشتیبانی کارگران و توده های واقعا انقلابی بوده و هستند . لیکن دم دیگر این شمیر بتد ریب و به وفزایند های متوجه خود توده ها و متوجه باصلاح " زیاده خواهی " کارگران و تکامل خود آگاهی و تشکل طبقاتی در میان آنان در سررها و پیشروی انقلاب در روستاها و رگونه تمایل کمایی تکامل یافتند از سوی مردم برای اعمال - اکمیت و تحقق دکرکراسی بدست خود - شان بند . از همین تناقض درونی و دو دمه بودن کمیته ها است که عوامل ضد انقلاب و رژیم سابق بر احتی میتوانند در آنها جا بگیرند ، و از همین دو آنگی است که مالکان و برخی روسای مرتجع عثمانی در دهات و سرمایه داران و محتکران بازار و تجاری که از بابت سختی های اقتصادی ناشی از انقلاب پول کلانی به جیب زده اند میتوانند از این کمیته ها و از پاسداران انقلاب بر علیه دهقانان و کارگران و برای مقابله با تعمیق انقلاب سود جوی کنند . بحال و این کمیته ها با این حال و روز خود آسان است که باز چه رقابت ها و طمع ورزی های شخصی و گروهی مالکان ، تاجران و دلالان و روحانیون همدست آنها قرار گیرند و

مهای خواستار تعطیل دفاتر کلیه سازمانهای سیاسی چون جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب ، دفتر هواداران فدائیان ، شورای زنان و اتحادیه کارگران و تعطیل کلیه کتابخانه ها و کتابفروشیهایی که کتب " غیر اسلامی " میفروشند میشوند . مرکز راد یو تلویزیون سنندج نیز از جانب نیروهای مفتی زاده و " قیاده موقت " تصرف میشود .

بدین ترتیب نیروهاییکه در اساس مخالف ایجاد شورای سنندج بودند به بهانه سه دروغین " تقلب " در انتخابات ، هرج و مرج راه میاندازند و سنندج را بار دیگر تا آستانه يك جنگ داخلی دیگر پیش میبرند . سنندج و کردستان گرچه امروز ظاهرا " آرام " است ، لکن شعله ایست که زیر خاکستر میسوزد و هر آن امکان انفجار دوباره آن میروند . مبارزه ای که در کردستان جریان دارد ، از مبارزه در کل کشور جدا نیست و مسائل آن نیز از لحاظ بنیادی تفاوتی با مسائل سایر مناطق ایران ندارد و راه حل آن نیز در اساس با راه حل معضلات در سایر مناطق یکی است . انقلابیون کردستان باید صفوف خود را فشرده و متحد کنند و بخصوص به دهقانان و مبارزه در دهقانی بر علیه مالکان بزرگ و پس ماند ه های رژیم گذشته توجه نمایند و این نیروی عظیم راد انجمن های دهقانی بمنظور مصادره و تقسیم اراضی مالکان بزرگ متشکل نمایند و در تمامی شهرها شوراهای دموکراتیک توده های با شرکت همه نیروهای مترقی و بر اساس اتحاد و شرکت کارگران ، دهقانان و پیشه وران بوجود آورند و خواست به حق تعیین سرنوشت را در چهار چوب ایران مستقل و آزاد و دموکراتیک و برابر بر بستر مبارزه علیه مالکان و خوانین مرتجع و د ارد سته های خود فروخته ای چون " قیاده موقت " و همه نیروهای وابسته چون " حزب دموکرات " به پیش برند و در این راه بر پشتیبانی همه خلقها و نیروهای انقلابی ایران حساب کنند .

قاریخ علیرغم چگونگی کشته شدن قرنی ، که به هیچ رو مورد تأیید ما نبوده و بلکه آنرا بعنوان حرکتی خلاف مصالح عمومی انقلاب و یاری دهند ه به تبلیغات ضد انقلابی ارزیابی میکنیم ، در باره او چنین حکمی را صادر خواهد کرد و تبلیغات عوام فریبانه دولت نیز نخواهد توانست بر این حقیقت پرد ه بیوشد .

" اتحاد آزاد یخواهان ، علاقه و محبت آنان بهم ، ضامن آزادی و استقلال ایران خواهد شد " از سخنان شیخ محمد خیابانی

بدینسان از یکسوراه را براد همدستی با عوامل رژیم سابق ، کمیراد ورما و قودالها و سایر مرتجعین محلی گشوده و از سوی دیگر مردم ناآگاه را برای رسیدن به اهداف ناچیز شخصی و گروهی خود بجان هم اندازند . ما این حرکت های منفی و در عین حال رشد یابنده کمیته ها را که از تناقض رونی خود آنها و انحصار طلبی مالکان ، سرمایه داران و روحانیون ناشی میشود در پدید آمدن وقایع شومی در سنندج و گنبد ونقه و در بسیاری از دهات دید هومی بینیم . بخوبی میتوان دید که بر اثر همین مسائل وحدت ظاهری کمیته ها و پاسداران زیر فرماندهی آنها بتدریج بهم خورد و ازسوی کشاکشهای میان دستجات انقلابی و خرد بورژوازی باسدار عناصر منفعت طلب و ضد توده های کمیته ها و اینجا و آنجا بیرون میزند و از سوی دیگر کمیته های رقیب که اغلب ماهیت پنهان متفاوتی هم ندارند ، در برابر هم صف آرائی می کنند . البته این جریان با مقصود و هدف مورد نظر بورژوازی ملی بعنوان يك طبقه از فعالیت این کمیته ها ، کم نقش موقتی واسطه را برای انتقال قدرت به دواتر دولتی تجدید سازمان یافته حکومت بورژوازی و کمک به استقرار این حکومت باید ایفا کنند در تضاد است . نمایندگان سیاسی بورژوازی ، مالکان و قشرهای گوناگون خرد بورژوازی را به مجرای سازمان یافته پارلمانتاریسم معمول بورژوازی هدایت کند ، ولی بورژواها و مالکان قوم و خویش آنها عملا نشان میدهند که لیاقت تشکیل حکومت طبقاتی خویش را ندارند و از لحاظ طبقاتی ناپخته و هرزنگرند . همین جنبه از مسئله است که موضوع تضاد میان حکومت و فعالیت کمیته ها را تشکیل داده و اعتراضات متولیان حکومت موقت را برانگیخته است .

در برابر این وضع ، گرایش محسوسی از سمت پائین ، از سمت زحمت کشان روستا و شهر برای دخالت در امور انقلاب و بدست گرفتن مقدرات آن ، پامیگردد . آنان بتدریج و بتعداد فزاینده های متوجه میشوند که جز مشتی وعده و صدقه سیاسی از انقلاب برای آنان در نظر گرفته نشده و نه تنها سیاست حکومت موقت در جهت عدالت اجتماعی و تامین حقوق دموکراتیک مورد نظر آنها نیست ، بلکه شمیر دودم کمیته هر چه بیشتر دم ضد توده های گرم تر میشود و بعلاوه تفرقه بورژوازی که سودی مگر برای ضد انقلاب ندارد بر آنها حاکم میگردد . از اینجا است تمایل آشکاری که برای تشکیل انجمن ها و شوراهای نمایندگان شهر و یا شوراهای انقلابی دهقانان در روستاها بوجود آمده و در آن نقاطی که تناقضات یاد شده حادث و آمادگی سیاسی توده ها بیشتر است بصورت يك جریان سیاسی واقعی در برابر حرکت بورژوازی و مالکان قد علم میکنند و گاه خود را تحصیل میگردد . (مثال : برخی نقاط کردستان ، مسجد سلیمان ، گنبد ویا در برخی از روستاهای اطراف رشت و یزد وغیره)

با حرکت از این تحلیل و جمع بندی از این گرایش واقعی است که ما به تشکیل انجمن یا شوراهای نمایندگان شهر و روستا برخورد کردیم و آنرا بعنوان راه حل واقعی حفظ دست آورد های انقلاب و ادامه و بثمر رساندن آن تجویز می کنیم و همین واقعیات نیز طرح هر چند کلی را بر جامعه بورژوازی ایران تحمیل کرد هاست .

تشکیل انجمن ها یا شوراهای منتخب توده های در شهرها و دهات امری لازم و بدیهی برای تسویه حساب کامل با نظامات گذشته و ادامه و تعمیق انقلاب تا بثمر رساندن کامل آن میباشد . در این جریان است که طبقه کارگر آگاه میتواند رهبری توده های مردم را بدست گرفته و در برابر لیبرالیسم و سازشکاری بورژوازی ملی و همدستیش با مالکان در روستاها توده ها خواهان ادامه و بثمر رساندن کامل انقلاب را که تاکنون بار انقلاب بر دوششان بوده ، متحد و بقدرت مشترک کپنده خود عیدار سازد . اینروزها با اظهار تمایل رهبران روحانی ، طرح تشکیل انجمن های شهر و ده و استان در صورت کلی خود و موضوع ادغام کمیته های موجود در این انجمن ها مورد حمایت احزاب و

گروه های سیاسی کاملاً گوناگونی قرار گرفته است کارگران باید به هوش باشند که بورژوازی و مالکان با قبول کلی و استقبال ظاهری که از این طرح میکنند سر آنان و متحدین واقعی شان ، یعنی دهقانان و همچنین پیشه وران شهری را کلاه ننگ دارند . زیرا بورژواها و مالکان در صورت رفتن به پای تشکیل این انجمن ها و انجام انتخابات آنها خواهند کوشید نظر خاص خود را در مورد وظایف و نحوه انتخابات بر توده ها تحمیل کنند و رهبری این انجمن ها را خود به دست گیرند و این انجمن ها را عملاً از قدرت اجرایی انداخته و بصورت مجلس گپ زنی و فاقد قدرت اجرایی بدل سازند .

معنی واقعی گرایش توده های شهری به تشکیل انجمن های منتخب شهر و گرایش دهقانان به تشکیل انجمن ها یا شوراهای انقلابی دهقانی در روستاها ، تشکیل ارگانهای اعمال حاکمیت دموکراتیک توده های بجای ارگانهای ضد خلقی و ارتجاعی رژیم سابق و نیز تشکیل ارگان هایی است که اجرای وظایف دموکراتیک و ضد امپریالیستی مقابل انقلاب ایران را که بورژوازی از انجام آنها طفره میبرد ، خود توده هایدست گیرند . این انجمن ها در شرایط خاص کنونی که هنوز اجرای وظائف اساسی انقلاب بر روی دست مانده ، باید بعنوان وسیله اعمال نظر و ارگان رهبری مبارزه مردم برای درهم کوبیدن تمامی پایه ها و مظاهر نظام منحط ، ارتجاعی و ضد ملی مربوط به رژیم سابق عمل کنند و بدینسان حاکمیت خود را بر علیه طبقات ضد خلقی و دشمنان داخل و خارجی ملت ایران اعمال گردانند . این انجمن ها باید دارای قدرت اجرایی بوده و نیروهای مسلح محلی در زیر و تحت فرمان خود داشته باشند .

اینکه گفته اند طرح تشکیل انجمن های شهر ، ده و استان احیای سنت انجمن های ایالتی و ولایتی زمان انقلاب مشروطه است ، صحیح است ، لیکن باید یاد آوری کرد که انجمن های واقعی زمان مشروطه مانند انجمن تبریز که نقشی انقلابی ایفاء کردند دارای قدرت اجرایی بودند و به توده های مسلح (مجاهدان) انکاء داشتند ، و این سنت است که احیای باید گردد و احیای آن طلب میشود . و گرنه بسیاری از انجمن ها نیز در زمان انقلاب مشروطه تشکیل شد که با تکیه بر ناآگاهی توده ها و قوای مسلح مرتجعین ملعبه دست ملاکان ، روسای عشایر ، سوداگران بزرگ و عوامل امپریالیسم شد .

انجمن های راستین توده های تجلی قدرت مشترک توده هاست و باید مستقیماً به خود توبه و وحدت انقلابی آنان متکی بوده و از نمایندگانی طبقاتی آنان تشکیل شود ، والا با انتخابات به شیوه بورژوازی و برگزیدن عد های وجیهه المله از طریق عوام فریبی و بکمکنر وزور تشکیل انجمن دادن دردی را نوا نخواهد کرد . از اینرو انجمن ها باید نمایندگان منتخب شوراهای کارگری ، شوراهای گوناگون پیشموران ، فرهنگیان و سربازان ، و شوراهای دهقانان و کارگران کشا - ورزی و غیره باشند . این شوراهای نیز که خود از محصولات انقلاب هستند بنوبه خود برگزیده مستقیم گروه های مختلف کارگران و پیشه وران و بازاریان و فرهنگیان و سربازان و غیره در شهرها و کارگران و دهقانان و مالکان جزو در دهات میباشند .

وظایف عمده انجمن ها یا شوراهای نمایندگان مردم شهرها و دهات در هم کوفتن بقایای استبداد رژیم سابق و ارگانهای مربوط به آن در دستگا ههای دولتی از جمله ارتش ، مصادره سرمایه های خارجی و کمیرادری به نفع ملت ، تعقیب و تصفیه ضد انقلابیون ، تأمین شرایط و وسائل لازم برای رفع بحران اقتصادی و آغاز دوره سازندگی با تکیه بر این دستاوردها و مصادره مالکیت بزرگ ارضی متعلق به مالکان و سرمایه داران و دربار و غیره به نفع دهقانان فقیر و کم زمین و بی زمین و اصلاحات ارضی ، مصادره واحد های کشت و صنعت کمیرادری به نفع ملت ، و تامین شرایط و وسائل لازم برای رفع رکود کشاورزی و د امپرووری ایران میباشد .

تعمیق يك . . .
 د و ارزیابی، چه تفاوتی است، و این تفاوت با چه صراحتی د مکرراتیسم انقلابی توده مردم را از سیاستهای سازشکارانه نشریه "حقیقت" گان ب متمایز میسازد .
 برای اشاره به جنبه دیگری از نظریات انحرافی و بغایت راست روانه‌ای که این عده در مورد جوانب مختلف مبارزه طبقاتی در ایران اشاعه میدهند به د نکته دیگر، یعنی به ارزیابی اینان از دولت آقای بازرگان و ارزیابی شان از رهبری مسلط برجینش نیز مختصرا اشاره می‌نمایم و بحث مفصلتر در اینباره را بفرصت دیگری وا میگذاریم .
 در اعلامیه‌ای که این عده در مورد روی کار آمدن دولت موقت در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ انتشار دادند از جمله چنین میخوانیم :
 " مردم و خاصه طبقه کارگران ایران از نخستین د و ل ت جمهوری ایران میخواهند که برآستی یلکد و ل ت د مکرراتیک باشد و استقلال وطن و آزادی ساکنین آنرا واقعا تامین نمایند . مردمی که نهال استقلال و آزادی را با خون خویش سارور کردند تنها هنگامی از این دولت پشتیبانی قاطع و بیگیر خواهند نمود که این دولت در دنبال کردن خواسته‌های دیرین مردم قاطع و بیگیر باشد ."

نگفته پیدا است که ایجاد و اشاعه چنین توهماتی در مورد دولت موقت آقای بازرگان در میان توده مردم، با توجه به ترکیب طبقاتی این دولت و آنهم پس از آشکار شدن بسیاری از تمایلات سیاسی آن در دوره مذاکرات قبل از قیام، هیچ معنایی جز گمراه کردن مردم و ترویج يك نظریه راست روانه و انحرافی در مورد ماهیت طبقاتی و قابلیت‌های این دولت و مناسبات آن با توده زحمتکش ایران را نمیدهد .
 مانظریات خود را در این زمینه در سر مقاله شماره پیشین "حقیقت" توضیح داد هایم و بنابراین در اینجا بهمین بسنده میکنم که بنظر ما دولت آقای بازرگان به خاطر ماهیت و ترکیب طبقاتی اش و به حکم همین تحریکات مختصر دوران حکومتش، هرگز نه میخواهد و نه میتواند " برآستی يك دولت د مکرراتیک باشد و استقلال وطن و آزادی ساکنین آنرا واقعا تامین نماید در دنبال کردن خواسته‌های دیرین مردم قاطع و بیگیر باشد . " طبیعی است که چنین برداشتهایی از دولت موقت جز به سیاستهای کاملا راست روانه در مورد آن نمی‌تواند بیانجامد و اشاعه چنین نظریاتی در مورد این دولت، نه مبین منافذ زحمتکشان ایران و آگاه سازی آنان نسبت به مناسباتشان با دیگر طبقات و دولت، بلکه مبین منافع و نظرگاههای آن افسار و طبقاتی از جامعه است که اید ه آل خود را، در بهترین حالت در متوقف ساختن انقلاب در نیمه راه بیروزی جستجو مینمایند .

در مورد رهبری مسلط برجینش نیز سرد مداران این فراکسیون ضد سازمانی برداشتهایی بغایت نادرستی را رواج میدهند . در این مورد از جمله در نشریه "حقیقت" گان ب شماره ۷، چنین آمده است: " نیروی محرکه اصلی در پشت شعار جمهوری اسلامی، قشرهای تحتانی و متوسط خرد ه بورژوازی اند ."
 با اندک دقتی در سیاستها و حرکات رهبری مسلط برجینش که همان "نیروی محرکه اصلی در پشت شعار جمهوری اسلامی" است، متوجه میشویم که خصیصه اصلی و بارز این رهبری حمایت از بورژوازی لیبرال همراه با تمایلات ضد کارگری و ضد کمونیستی بود هاست . آگاهی به این خصوصیات کافی است تا به هر صاحب بصیرتی آشکار گرداند که این سیاستها و حرکتها نه مبین منافع اقتصادی و تمایلات سیاسی لایه‌های تحتانی خرد ه بورژوازی، بلکه در واقع مبین منافع موقعیت و تمایلات سیاسی لایه‌های فوقانی خرد ه بورژوازی بوده و بنابراین مناسبات طبقه کارگر با این " نیروی اصلی محرکه" کاملا با مناسبات این طبقه با آن جریاناتی که منافع لایه‌های تحتانی خرد ه بورژوازی را نمایندگی می‌نمایند متفاوت است . هرگاه رهبری مسلط برجینش را نمایند ه لایه‌های تحتانی خرد ه بورژوازی ایران بحساب آوریم، آنوقت آیا هیچ توضیحی

در حمایت بید ریغ این رهبری از بورژوازی متوسط و لیبرال ایران و تمایلات ضد کارگری و ضد کمونیستی آن خواهیم یافت ؟ آنوقت آیا درک ماهیت انقلابی لایه‌های تحتانی خرد ه بورژوازی ایران و تمایل این لایه‌ها بسوی هم گامی با جنبش کارگری و همکاری با جنبش کمونیستی و ماهیت و سمت جریانات سیاسی مبین این تمایلات، نظیر سازمان مجاهدین خلق ایران، و مناسبات این مجموعه با جنبش کارگری و کمونیستی ایران غیر ممکن نخواهد بود ؟ و بالاخره، بنابراین جنبش درک انحرافی و راست روی انهای از ماهیت طبقاتی رهبری مسلط برجینش آیا مناسبات کاملا نادرست و زبانباری میسازد طبقه کارگر و جنبش کمونیستی با این لایه خرد ه بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن برقرار نخواهیم ساخت ؟

سیاستهای بغایت راست روانه‌ای که این عده در مورد "کمیته‌های امام" تبلیغ مینمایند نیز مستقیما از نظریات عمومی این افراد در مورد مبارزات طبقاتی جاری در ایران و تصویر کاملا انحرافی اینان از ماهیت طبقاتی و خصوصیات سیاسی رهبری مسلط برجینش ناشی میگردد . در این زمینه، اینان در "حقیقت" گان ب شماره ۸ در توضیح ضرورت شرکت کمونیستها در این "کمیته‌ها" و تقویت آنان مینویسند: " چرا که کمیته‌های نامبرده به مثابه نطفه‌های شوراهای محلی و ارگانهای قدرت توده مردم در مقابل ضد انقلاب و نیز رفیقان نیمه راه و میوه جینان انقلاب مردم ایران بوده و میتوانند باشند ."
 پرواضح است که شرکت توده مردم در ارگانهای قدرت معینی، خود بخود بمعنی توده‌های بودن چنین ارگانهایی و تبدیل آنها به "ارگانهای قدرت توده مردم" نمیشود . آنچه ماهیت يك " ارگان قدرت" را تعیین میکند در درجه اول سیاست رهبری کننده ه چنین ارگانی و ترکیب طبقاتی رهبری آنست . این امر در مورد "کمیته‌های امام" نیز کاملا صدق میکند . چنانکه در همان مدت کوتاه کاملا آشکار گردید بود، توده مردم، به ویژه توده زحمتکش ایران، هیچ نقشی در تعیین سیاستهای این کمیته‌ها در آن نبوده و رهبری این کمیته‌ها عملا در دست نیروهای سیاسی - طبقاتی متفاوتی متمرکز گردیده است که از خرد ه بورژوازی مرفه تا بورژوازی و ملاکین لیبرال و حتی برخی عناصر شریرومزه را شامل میگردد . این ترکیب ناهمگون طبقاتی در رهبری "کمیته‌ها" مزبور باعث گردید ه است که سیاستها و عملکردهای این "کمیته‌ها" در نقاط مختلف کشور از برخی سیاستها و فعالیت‌های د مکرراتیک در جهت منافع مردم تا سیاستها و فعالیت‌های سراسری ضد انقلابی را شامل میگردد . برای ارائه نمونه‌ای از این سیاستها و فعالیت‌های ضد انقلابی کافیت به نمونه "کمیته امام" حجت الاسلام صفدری در کردستان و نقش خرد ه و ضد انقلابی این "کمیته" و نیروهای تحت هدایت آن در گشتار میهن پرستان دلیر کرد اشاره کنیم . فعالیت‌های مخرب و ضد انقلابی بسیاری دیگر از "کمیته‌های امام" در نقاط مختلف کشور، در برخورد به خواستها و مبارزات د مکرراتیک عمومی مردم بطور کلی و در برخورد به خواستها کارگران در حمایت از زمینداران بزرگ در مقابل حرکت‌های دهقانی بطور اخص، باندازه کافی تکرار گردیده هاند تا اینگونه فعالیتها را از حالت استثنا به يك قاعده عمومی بخشهای مهمی از "کمیته‌های" می‌رساند .

با توجه به این فعالیتها که مبین سیاست و ترکیب رهبری بسیاری از "کمیته‌های امام" در نقاط مختلف کشور است و با توجه به اینکه حتی بخش مهم دیگری از "کمیته‌های امام" که تحت تسلط خرد ه بورژوازی مرفه مسلط برجینشانند نیز اساسا از يك سیاست د و گانه ضد کارگری و ضد کمونیستی از یکسو و همکاری و حمایت از بورژوازی لیبرال از دیگر سو، پیروی میکنند، روشن میگردد که علیرغم وجود جوانب د مکرراتیک و برخی سیاست‌های رادیکالتر در بخشهایی از این "کمیته‌ها" به هیچوجه نمیتوان این مجموعه را به مثابه "ارگان‌های قدرت توده مردم" بحساب آورد و پیروی و تبلیغ چنین سیاستی هم بمعنی ندادن سیاست و رهبری محافظه کارانه و ارتجاعی مسلط برجینش

هایی از این کمیته‌ها و سیاستهای نابگیر و ضد کارگری بخشهای دیگر آنهاست و هم نفسی اهمیت مبارزه بخاطر ایجاد سازمانها و تشکلهای بی از توده‌های مردم را که واقعا نتوانند بصورت "نطفه‌های شوراهای محلی و ارگانهای قدرت توده مردم" عمل کنند معنی میدهد . بنابراین پیروی از يك سیاست درست و انقلابی در مورد این "کمیته‌ها"، برخورد مشخص به ماهیت رهبری و سیاست مسلط برجینشهای مختلف آن، افشای قاطع و همه جانبه سیاستها و رهبریهای محافظه کارانه و ارتجاعی مسلط برجینشهای از آنها و اتخاذ يك سیاست د و گانه در مورد آن بخشی کهد مجموع تحت تسلط رهبری خرد ه بورژوازی مسلط برجینش است را الزام آور میسازد .

برداشتها و تصاویر کاملا راست روانه‌ای که سردمداران این فراکسیون ضد سازمانی از دولت موقت، رهبری مسلط برجینش و "کمیته‌های امام" تبلیغ مینمایند، طبیعتا نمیتواند در تعیین مناسبات طبقه کارگر و جنبش کمونیستی با این ارگانها و نیروهای سیاسی و نیز در سیاستهای مشخص عطفی این افراد بی تاثیر ماند . مجموعه این تاثیرات را میتوان در دنباله روی از نیروهای سیاسی بورژوازی و خرد ه بورژوازی و نفی اهمیت مبارزه مستقل طبقه کارگر و ارائه سیاستها و برنامه‌های د مکرراتیک و انقلابی بی این طبقه و بسیج انقلابی توده مردم بدور آنها خلاصه نمود .

بدین ترتیب مشاهده میگردد که نظریات این عده در زمینه‌های مختلف مبارزه طبقاتی در سطح بین المللی و ملی مجموعه واحدی را تشکیل میدهد که چیزی جز يك شی بغایت انحرافی و راست روانه را تشکیل نمیدهد . هشی ايكه در اوضاع بین المللی و استراتژی و تاکتیک جنبش کمونیستی از يك تئوری روزیونیستی حمایت مینماید، در مورد وظایف جنبش کمونیستی و مبارزه بخاطر وحدت آن، تز انحلال طلبانه و انحرافی "ائتلاف د مکرراتیک" را عنوان میکند؛ در باره جنبش کارگری بدون توجه به تغییر شرایط به ارائه نظریاتی میپردازد که عملا از ایجابات اتحادیه‌های واقعی و توده‌های کارگری جلوگیری مینماید؛ و بالاخره در مناسبات میان طبقه کارگر با دیگر طبقات جامعه و این طبقه با قدرتهای دولتی گوناگون برداشتهای راست روانه و به غایت انحرافی ای را رواج میدهد که در مجموعه خود چیزی جز دنباله روی از نیروهای بورژوازی بی جامعه را تشکیل نمیدهد . و این مشی نتیجه اجتناب ناپذیر تعمیق يك انحراف است و تعمیم آن از زمینهای به زمینه دیگر .

در باره وقایع . . .
 محروم دهقانان و دیگری زمینداران بزرگ و خوانین عشیره‌ای، این حافظین اصلی نظام گذشته، میباشند .

مبارزه گرچه در آغاز بگرد حقوق ملی و خود مختاری خلق گرد شروع شد و شکل صرفا ملی بخود گرفت، اما بسرعت مضمون طبقاتی خود را که چیزی مگر مبارزه توده‌های دهقانی برای مصادره و تقسیم زمین نیست آشکار ساخت و مبارزه ملی بسرعت رنگ طبقاتی بخود گرفت و صفوف نیروهای ظاهرا شریک در این خواست را نیز از هم جدا نمود .

زمینداران بزرگ و خوانین بیاری دسته‌های مسلحشان و دست در دست نیروهای مزدور مرتجعی چون "قیاده موقت"، ماهیت واقعی خود را بروز داده و به بیرون راندن دهقانان از دهات و سرکوب و آزار آنها دست زدند . در اعلامیه‌ای که با مضامین ۴ نفر از نمایندگان "به کیه تی جوتیاران مه ریوان و هسه و دامان" (اتحادیه دهقانی "در تاریخ ۵۸/۱/۲۳ منتشر شده میخوانیم :

همچنان که میدانید قیاده موقت یا جیره خواران شاه سابق و وابسته‌های اویسی و پالیزیف در تاریخ ۵۸/۱/۱۳ در آبادی "وله ژیر" د و نفر معلم باسم عبداله نود نیان و همان گد ازگر گرفته و بعد از ایجاد مزاحمت و کتک کاری و توهین و تهدید با دخالت مردم آبادی آنها را مرخص کرده هاند و در همانجا اظهار داشته‌اند که لیستی در اختیار داریم

که باید همه اینها را نابود کنیم در تاریخ ۵۸/۱/۱۹ دور آبادی گورگه‌های رامحاصره و بمردم آبادی توهین‌های ناشایستی نمود هاند در تاریخ ۵۸/۱/۲۲ قهوه خانه "بیه که ده" جاده مریوان - سنندج با داشتن اسلحه و مهمات و مستقر کردن مسلسل روی ماشین به بازید ماشینها و مزاحمت مردم مشغول شده هاند ضمن تهدید همگی اظهار نمود هاند که ما بدستور مفتی - زاده مامور تعقیب و آزار کسانی هستیم . در همین چند روز اخیر کسانهای زیادی را در آبادیهای مختلف تهدید به مرگ نمود هاند . این نیروهای مرتجع دشمنی ای دیرینه بانبرویهای مترقی و انقلابی دارند و تنها هدفشان نابودی این نیروها، سرکوب دهقانان و حفظ و گسترش قدرت مالکان بزرگ و خوانین عشیره‌ای است و از همین رو با هر حرکت آزاد یخواهانه سیاسی مخالفت کرده و آنرا به عناوین مختلف سرکوب مینمایند . وقایع ارویه و گردنکشی مالکانه که بزور اسلحه دهقانان را از دهات بیرون رانده و حاکمیت خان خانی خود را دوباره به راه انداخته‌اند نمونه دیگری از این تهاجمات و موقعیت زمینداران بزرگ و خوانین میباشد . این نیروها با مرتجعین بازمانده از رژیم سابق و همچنین دارودسته "قیاده موقت" - سپاه مزدور بارزانی - نوکر آمریکا و بالاخره با حزب د مکرراتیستان (برادرتی حزب توده)، همکاری و همراهی دارند و از یکدیگر حمایت میکنند . درهم شکستن این نیروها مقدم ترین وظیفه انقلابیون کرد و همه نیروهای انقلابی ایران است .

جریان دیگر بسرکردگی مفتی زاده، گرچه میکوشد زیر لوای اسلام و "حمایت از مسلمانان" خود را بپوشاند، لکن در اتحاد با همین نیروهای مرتجع بر علیه نیروهای د مکرراتیک و انقلابی برخاسته و در این امر از حمایت دولت نیز برخوردار است و در نامه "اتحادیه دهقانان" نمونه‌ای از این اتحاد را دیدیم مفتی زاده که در میان مردم کردستان از پایه چندانی برخوردار نیست، در مبارزه علیه د مکرراتی و نیروهای انقلابی دست همکاری و اتحاد بسوی ارتجاعیون محلی دراز کرده و از این طریق سربازگیری میکند . در دوران انتخابات سنندج مفتی زاده با واسطه‌گری شخص معلوم الحال بنام ملا محمد ربیعی که روابط حسنه‌ای با "قیاده موقت" و فرزندان بارزانی دارد و از نزدیکان مفتی زاده است، مراسم "آشتی کتان" میان خود و امام جمعه سابق سنندج که فردی مرتجع بنام حبیب اله مردوخ است و د و دوره نیز نماینده پاوه در مجلس شاه بوده هراه میاندازد . ملا ربیعی کسی است که در مراسم هیئتی برای شرکت در مراسم چهلمین روز مرگ بارزانی به اشوتویه میروید و از فرزندان مزدور بارزانی "قول پشتیبانی از جمهوری اسلامی" را میگیرد . همین مفتی زاده در نامه‌ای به آقای بازرگان (۵۸/۱/۱۹) در تشریح یکی از "مشکلات اساسی" خلق کرد از جمله مینویسد: " این خلاصه را از وضع رقت بار این گروه مستضعف مادی و معنوی بخندمت می نویسم در بین این مروجین (یعنی ۹۹٪ ملاها) اکثریتی قریب به اتفاق بودند که بسا ایمان و اخلاص وظایف محوله را انجام میدادند، زیرا فریب د و گروه اول را باور کرده بودند که: شاهنشاه اسلام پناه است و اگر او نباشد اسلام شکست میخورد در نظر دارم موسسه‌ای برای امور دینی در کردستان بوجود بیاورم که: کلاسهای فشرده هر چند ماه یکبار برای ملاها د ایر کنیم که هم مقداری با اسلام واقعی آشنا شوند و هم بتوانند در برابر موجهای هولناک ماد یگیری که خود معلول احوال روحانیت است مقاومتی کنند و به تبلیغ بپردازند مناعت ذاتی آنان موجب شده که به کمک بجز بوسه یک بود چه دولتی راضی نباشند موسسه‌ای دینی ما اگر همت کنید تولید خواهد شد، تمام این مسائل را در نظر خواهد داشت و تقریبا این طرح به ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان ماهانه نیاز دارد و فکر میکنم دولت اسلامی که رئیس

بقیه در صفحه ۷

تعمیق یک... مشخص جامعه ایران و استفاد ه از آموزشهای
لنین مسأله ایجاد اتحادیه های مخفی کارگری
مشکل از هسته بهم فشرده ای از کارگران پیشرو
در هر موسسه تولیدی را عنوان نمود . طبیعی
بود که چنین راه حل و ابزاری را ما فقط در
شرایط مشخص آنهنگام درست میدانستیم و مکرراً
تکرار مینمودیم که عدم امکان ایجاد سازمانهای
تود های و غلنی کارگری مطلوب نظر ما نبود و
بنابراین ایجاد هسته های سندیکیایی مخفی را
فقط بعلمت ضرورت برخاسته از فاشیسم و ترویز و
خفقان مسلط برجامعه طرح مینماییم .

اما اگر همین نظریه درست را در شرایط
دیگری ، یعنی در شرایط رشد مبارزات
انقلابی مردم و در هنگامیکه کنترل عمومی اوضاع
کاملاً از دست رژیم خارج گردیده است عنوان
نماییم- چنانکه سردمداران فراکسیون ضد ساز-
مانی مزبور در مقاله خود تحت عنوان "پیرامون
اتحادیه های مخفی کارگری" کرده اند- اتوکت
دیگر نه فقط یک راه حل درست به جنبش کارگری
نداد ه ایم ، بلکه به ترویج نظریه های بغایت انحراف-
فی و انحلال طلبانه در مورد سازمانهای تود-
های کارگری پرداخته ایم . برای اثبات این ادعا
کافی است که به حرکت عمومی خود جنبش کارگری
در آن هنگام ، یعنی در اواخر دوره کابینه
بختیار ، و به امکانات گسترده ای که رشد جنبش
انقلابی عمومی کارگران و دیگر مردم برای ایجاد
تشکلهای تود های در سطوح مختلف ایجاد نموده
بود و نیز به زیانهای مهمی که در اثر پیروی کر-
دن از چنین رهنمودی متوجه جنبش کارگری میشد
توجه نماییم .

البته این عده ظاهرأ خود را موافق
مشکل شدن تود های وسیع کارگران قلد ادنوو
و یا یک نظریه من در آوری مبنی بر اینکه تشکل
تود های کارگران بصورت مخفی نیز میسر میباشد
گریبان خود را از شر تضاد میان نیاز تود های
کارگران به تشکل و امکانات موجود در این زمینه
از یکسو ، و تز اتحادیه مخفی شان از سوی دیگر
"رها" نمودند . در همین مقاله اینان در این
باره چنین مینویسند : " این پند اریسی زیانبار
است که تنها سازمانهای غلنی قادرند تود های
شوند و پنهان بودن یک سازمان با تود های بود-
نش متناقض است .

هر کسی با ابته ای ترین سطح آشنائی
باقانونمند بهای مبارزات طبقاتی ، میدانند که
سازمانهایی که بخواهند تود های وسیع هر قشر
و طبقه های را در خود متشکل سازند ، اجباراً باید
بصورت غلنی موجودیت داشته باشند . در این
مورد نیز همه نوشته های قبلی سازمان خود ما و
هم آموزشهای لنین در مورد اتحادیه های مخفی
که مکرراً تاکید نمود ه اند که این اتحادیه های
مخفی چیزی جز " هسته های کوچک بهم فشرده
ای از کارگران نمیشاند که از طرق غیر مستقیم
و غیر تشکیلاتی با تود های کارگران در تماس بود
و مبارزات آنان را دامن زده و هدایت مینمایند
آنقدر صراحت داشته اند که اجازه " اشتباه ممر-
فتی " به اینان ندهند .

جالب توجه است که کلیه مطالب " بس زیا-
نبار " این مقاله در مورد ایجاد اتحادیه های
واقعی تود های کارگران بایک درک ریزیونستی
از مناسبات میان غلنی بودن و قانونی بودن
سازمانهای تود های بهم مرتبط گردیده و توجیه
گشته اند ؛ بدیده این عده ، در هر شرایطی ، از
جمله در شرایط انقلابی دیمه گذشته ، فقط آن
سازمانهایی میتوانند موجودیت تود های و غلنی
داشته باشند که فعالیتها و خواسته های خود
را در چارچوب قوانین موجود محدود نمایند .
در این مورد در مقاله مورد بحث چنین میخوایم
نیم : " لیبرالها و سران ریزیونست حزب تود
به این پندار واهی دامن میزنند که گویا میتوایم
تحت شرایط کشوری چون کشور ما اتحادیه ای
ایجاد کرد که هم غلنی باشد و هم انقلابی ، هم
در چارچوب قوانین ضد کارگری موجود باشد و هم
مدافع منافع تود ه زحمتکش . "

چنانکه در این نقل قول بروشنی مشاهده
میکرد اینان بوجود یک رابطه مکانیکی میان
غلنی بودن یک سازمان تود های و " در چارچوب
قوانین ضد کارگری " باقی ماندن آن قابل میباشند

که ریشه اصلی تمامی ترهات انحرافشان در
این زمینه را تشکیل میدهد . حال آنکه ، آنچه
در واقع امکان یعدم امکان فعالیت غلنی و مو-
جودیت غلنی یک سازمان تود های را تعیین می-
نماید ، نه چگونگی قوانین موجود ، بلکه در درجه
نخست ، حد رشد جنبش عمومی مردم و کنترل
رژیم بر اوضاع کشور است . بطور کلی میتوان گفت
که آن سطحی از مبارزه که عمومیت یافته باشد ،
خارج از کنترل رژیم قرار میگیرد . حال ، خواه
این سطح در چارچوب قوانین موجود باشد و
خواه نباشد . و اتفاقاً در مورد این رابطه ، وجه
اشتراک مهمی میان نظریات ریزیونستهای و سر-
مداران این فراکسیون ضد سازمانی وجود دارد-
و آن اینست که هر دو چنین تصور میکنند که
سازمانهای تود های و غلنی باید خود را در
چارچوب قوانین موجود محدود نمایند . بسا
این تفاوت که ریزیونستها از این ارتباط مکا-
نیکی به این نتیجه میرسند که بنابراین باید
سطح فعالیتها و سیاستهای چنین سازمانها-
بی را محدود کرد و این جماعت دوم از همین
برداشت باین نتیجه میرسند که باید از ایجاد
سازمانهای غلنی و تود های حتی در شرایط
بحران انقلابی جامعه و از همگسیختگی کنترل
رژیم ، خودداری نمود . و این هر دو به یک میز
به جنبش کارگری و تود های ما زیان می رسانند .

بهر حال اثبات نادرستی این احکام چنان
آشکار است که نیاز به استدلال چندانی ندارد
در همان هنگام که این عده بطور نقل شده را
مینوشند بزرگترین مبارزات انقلابی تود های
مردم ارکان رژیم سلطنتی پهلوی را درهم می-
شکست و دیدیم که رژیم را نه توانایی درهم
شکستن این مبارزات بود و نه قدرت نابود کردن
سازمانها و کمیته های تود های مختلفی که این
مبارزات را رهبری مینمودند . زیرا جنبش عمومی
مردم ایران و در پیشاپیش آن ، مبارزات طبقه
کارگر قهرمان ایران ، به آنحنان سطحی از تکامل
رسیده بود که " چارچوب قوانین موجود " را فر-
سنگها پشت سر گذاشته بود و به عبارتی همسه
جنبش " غیرقانونی " بود ! و در چنین شرایطی که
ایجاد سازمانهای تود های مردم ، بویوشوراها
و اتحادیه های تود های و واقعی کارگران ، میا-
یستی بصورت یکی از مهمترین وظایف جنبش کمو-
نیستی و کارگری ما تلقی گردد ، کوشش بخاطر
ایجاد این سازمانها را به " ریزیونستها " نسبت
دادن و کارگران را به راهها و ابزار های
محدودی که در گذشته بعلمت تسلط رژیم بر
اوضاع مناسب بودند ، حواله دادن ، بدترین
" رهنمود " به جنبش کارگری و جاه را " راه " نمودن
بود و بس .

اما انحرافات این عده در مورد مبارزات
طبقاتی در جامعه ایران بهمین جا خاتمه نی-
یابد . در همین شماره از نشریه " حقیقت " کاذب
شماره ۶ به یک ارزیابی بغایت انحرافی و راست
روانه از دولت شاپور بختیار و نقش و ماهیت این
دولت بر میخوریم که جادارد به آن نیز اشاره
مختصری بشود .

در این زمینه سردمداران این فراکسیون
ضد سازمانی نه فقط از جنبش آگاهانه و متشکل
ایران بلکه از آگاهی تود ه مردم فرسنگها عقب
مانده و بنابر پیشینه سیاسی شاپور بختیار در
جنبه ملی ، تمامی توطئه های را که از جانب آمریکا
و از طریق کابینه بختیار ، بر علیه جنبش مردم ما
تدارک دیده شده بود ندیده گرفته و نوشتند :
" البته در مورد نکته آخر ، این در صورتی
است که به آقای بختیار نیز قدری خوشبینانه
برخوردم کنیم یعنی او را حد اقل بعنوان یسک
د موکرات بحساب آوریم و ما بویژه مایلم نسبت
به او چنین تصویری را عرضه کنیم زیرا هر چه
صریحتر اندیشه های او بمیان آید (هر چند
خود شاید خاطر پزدلی در این موارد سکوت
اختیار کنم) ، بهمان درجه بوجی نظراتش را به
شکل صریحتری آشکار میسازد . "

چنانکه کاملاً مشهود است ، در اینجا یکی
از بزرگترین توطئه های ضد ملی و ضد موکرا-
تیک امپریالیسم آمریکا و در بار پهلوی که از نظر-
بق کابینه بختیار به اجرا درآمد ، کاملاً پوشانده
گشته است و مجری اصلی این توطئه ضد ملی و

ضد موکراتیک بمثابه کسی که " حد اقل بعنوان
یک د موکرات " باید بحساب آید (حد اکثرش
معلوم نیست چه میشد !) ارزیابی گردید هاست .
همه کس میدانند که روی کار آمدن کابینه
شاپور بختیار در شرایط استیصال امپریالیست
های امریکایی و در بار پهلوی و بمثابه یسک
توطئه ضد ملی و ضد موکراتیک برای منحرف
نمودن جنبش انقلابی مردم و حفظ نظام منحل
و روبه زوال سلطنت در ایران صورت گرفت
پیشینه شاپور بختیار هر چه بود ، هیچ تغییری
در ماهیت این توطئه ضد ملی و ضد موکراتیک
و نقش کابینه بختیار و خود او در مرکز این توطئه
نمیداد و ارائه تصویر چنین فردی بعنوان کسی
که " حد اقل بعنوان یک د موکرات " باید بحساب
آید ، آنهمزمانیکه نقش اصلی او و کابینه اش جز
خیانت به کلیه آرمانهای د موکراتیک و استقلال
طلبانه مردم ایران نبود و در واقع بصورت مهربه
اصلی یک توطئه خونین ضد ملی و ضد موکرا-
تیک عمل مینمود ، چیزی جز تخطی از اصول او-
لیه جنبش د موکراتیک و ضد امپریالیستی مردم
ایران را معنی نمیدهد .

هنگی بخاطر دارند که در همان روزیکه
بختیار " مسئولیت " تشکیل کابینه را پذیرفت ،
مردم شب هنگام در پشت بامها فریاد میزدند
" کابینه بختیار ، توطئه آمریکاست " . و در میان این
بقیه در صفحه ۸

خیانت به...
نفر نقطه آغازی در غلبه بورژوازی بر پرولتاریا در
درون حزب و جایگزین شدن دیکتاتوری بورژ-
وازی بجای پرولتاری و بمعنای سر آغاز نفی عمل
همه جانبه کلید ستاورد های انقلاب چین و
بویژه انقلاب فرهنگی سر آغاز بازگرداندن منا-
سبات سرمایه داری در جمهوری تود های چین
میباشد . بدنبال کودتای دست راستی هوا -
کوانگ و شرکاء تصفیه وسیع عناصر و کادرهای
انقلابی در حزب و دولت آغاز میگردد و از کنگره
۱۱ حزب کمونیست ، چین بمه د حد اقل حد و
۵۰٪ از کادرهای حزبی تصفیه میشوند و همرا
و همزمان با این تصفیه ضد انقلابی تقریباً از
کلیه مریدان و خائنین به انقلاب و ریزیونست
های کهنه کار چون تنگ سیاو پینگ و امثالهم
" اعاده حیثیت " میگردد و اینان به مقامهای مهم
حزبی و دولتی منصوب میگرددند .

غلبه بورژوازی بر حزب کمونیست چین ، که
امروز بوسیله د اردو سته تنگ و هوا نمایندگی
میشود ، بدنبال خود تغییراتی اساسی چه در
زمینه داخلی و چه خارجی بهمراه میآورد . سیا-
ست و برنامه ای که رهبری فعلی چین در زمینه
داخلی و خارجی تدوین نموده و با اجرا کرده
است چیزی نیست ، مگر برنامه احیاء تمام و کمال
سرمایداری و خیانت ، بسوسیالیسم .

در زمینه داخلی این د اردو سته کلیه
دستاورد های انقلاب چین و رهنمود های مائو
را به کنار گذاشته و زیر لوای برنامه " ۴۵ رنیزه
کردن " شتابان بسوی احیاء سرمایه داری میروند
و در زمینه خارجی نیز " تئوری سه جهان " که
نخستین بار توسط تنگ سیاو پینگ در سال
۱۹۷۴ عنوان شده بود را در کنگره ۱۱ حزب
کمونیست چین بعنوان سیاست خارجی چین و
استراتژی جنبش بین المللی کمونیستی و پرولتا-
ریای جهانی به تصویب می رسانند .

با بقدرت رسیدن بورژوازی ، رهبران رو-
یزیونست چین بتدریج و با شیوه های کاملاً
عوامفریبانه خط مشی اساسی ساختمان سوسیال-
لیسم و استحکام دیکتاتوری پرولتاریا را بزیرا
گذاشته و در نفی مبارزه طبقاتی ، سیاست اثبات
و وحدت ، " نظم و دیسیپلین " و " تولید هر چه
بیشتر " را قرار میدهند . سیستم آموزشی چین
که در دوران انقلاب فرهنگی به نفع شرکت هر
چه بیشتر کارگران و دهقانان دگرگون شد و بود
را دوباره به نفع روشنفکران و متخصصین و قشر
ممتاز جامعه تغییر میدهند . اقتصاد را بر
بنای " همه چیز در خدمت تولید بیشتر " و همه
حیز در خدمت سود " تغییر میدهند و فعالیت
کارخانه ها در رشته های مختلف تولیدی را بر
بنای میزان " سود آوری " استوار میکنند . انگیز
های مادی را رواج داده و به تبلیغ رقابت سر-
مایه داری در میان کارگران میپردازند و کارگران

راد مقابل یکدیگر قرار میدهند . در مورد کمون-
های دهقانی ، اصل مالکیت ، عمومی وسائل تو-
لید کشاورزی جای خود را به اصل فروش ما -
شین آلات کشاورزی به دهقانان و ترویج و تشو-
یق مالکیت ، خصوصی میدهد . مبارزه برای " محد
ود کردن حقوق بورژوازی " متوقف میشود و بجای
آن گسترش این حقوق در دستور کار قرار میگیرد .
سیاست اتکاء بخود که از جمله دستاوردهای
انقلاب فرهنگی است ، کنار زده میشود و بازار و
اقتصاد چین بروی سرمایه های غارتگر امپریالیستی
باز میشود و ادغام اقتصاد مستقل چین در د
اقتصاد امپریالیسم جهانی آغاز میگردد . سیا-
ست اتکاء بخود و ارجح دانستن مردم بر سلاح
زیور و میشود و باتکیه بر ارجحیت سلاحهای مدر
سلاحهای خارجی به چین سرازیر میگردد .
ادبیات و فرهنگ انقلابی چین سرکوب میشود و
بجای آن راه برای نفوذ و تبلیغ فرهنگ منحل
امپریالیستی و نفوذ الی باز میگردد . به یک کلام
رهبری فعلی چین ، قدم به قدم سوسیالیسم را
کنار گذاشته و سرمایه داری را احیاء مینماید .
هنوز چند سالی از رد گذشت مائوتسه
دون نگذشته است که د اردو سته تنگ- هوا علنا
مائو سته دون و نقش تاریخی وی را بزیر سوال
کشید ه اند و بمعناوین مختلف کارزار کثیف و
منحطی را بر علیه مائوتسه دون آغاز نموده اند
که هدفش هیچ چیز مگر بسوی اعتبار کردن مائو و
در نهایت نفی غلنی او و اصول مارکسیسم لنینیسم
نیست .

سیاست خارجی چین امروز سیاستی
است در خدمت بورژوازی بقدرت رسیده در
چین . هدف ، این سیاست ، دست و پا کردن
شرایط لازم برای رشد و نمو و تحکیم و گسترش
منافع این بورژوازی که در نهایت تبدیل چین به
یک ابر قدرت د بگر میباشد .

ما منکر آن نیستیم که جمهوری تود های چین
در گذشته و در دوران حیات مائوتسه دون در
زمینه سیاست خارجی د چار اشتباهاتی شده
بود ، اشتباهاتی که هیچگاه مورد توافق و قبول
مانند ه اند . اما آنچه این اشتباهات را کیفیتاً
از کردار خارجی چین در شرایط فعلی جدا
میکند ، آنست که در آن زمان اشتباهات فوق ،
اشتباهات یک حزب و کشور انقلابی بودند و
انتقاد به آنها نیز میبایست در این چهارچوب
و از این زاویه صورت میگرفت ، حال آنکه با بقدرت
رسیدن بورژوازی در حزب و دولت ، چین ، ما -
هیت و ابعاد مساله کیفیتاً تغییر کرده و طرز
برخورد دیگری را طلب میکند . تمایز گردن
میان این دو دوره و مسائل کیفیتاً متفاوت آن
اساسی است و به هیچ رو نباید آنرا یکی
بنداشت ، زیرا یکی دانستن ایند و دوره یکی
دانستن مارکسیسم و ریزیونسیسم است .

خیانتی که د اردو سته حاکم در چین به
سوسیالیسم و انقلاب چین و دستاورد های مائو
گرد ه است ، واقعاً کوچک و کناری نیست و تاثیر-
ات عظیمی بر شرایط جهانی ، مبارزه خلقهای
جهان و جنبش بین المللی کمونیستی گذارده و
خواهد گذارد . همه نیروها یکه با انقلاب و
مارکسیسم انقلابی دشمنی میورزند از این واقعه
سخت خوشنودند و در همه جا برای کوبیدن مار-
کسیسم و انقلاب از آن سود میجویند . ریزیو-
نیستهای روسی که بزرگترین خائنین به انقلاب
و پرولتاریا هستند ، از اینکه چین سرخ به چین
سفید تبدیل شده است سخت خوشحالند و
مدبوحانه میکوشند تا از این حرکت قهقراکی
بسود حقایق تبخشدن به لا طاعات خود استقا-
له برند و نیروهای ضد کمونیست نیز میخواهند
از این مساله پیراهن عثمانی برای کوبیدن کمو-
نیسم و کمونیستها بسازند . اما مبارزه طبقاتی
و حقانیت آرمان طبقاتی کارگران بزرگتر و
مستحکمتر از این است که با این شکست ها و
عقب گرد های موقتی درهم شکسته شود . بور-
ژوازی ، یکی از بزرگترین دزهای کارگران جهان
را ، نه از بیرون ، بلکه از درون تسخیر کرده است
و کارگران و همه انقلابیون جهان ، این یورش
ضد انقلابی را با تشدید مبارزه و برپا کردن
دزهای جدید و تسخیر مجدد دزهای از
دست رفته پاسخ خواهند داد . این منطق و
جبر تاریخ است . ■

تعمیق یک انحراف (۲)

در مقاله قبلی، "حقیقت" شماره ۲۶، مختصر آ به نظرات کسانی که اخیراً از سازمان مائوئیسم گردیده اند در مورد تئوری رویزیونیستی "سه جهان" و نیز به تز "ائتلاف موقت" این عده اشاره نمودیم و نشان دادیم که چگونه این تز انحرافی در خدمت حفظ پراکندگی کنونی جنبش کمونیستی و گسترش گرایش‌های التقاطی در آن بوده و به نفع استقلال سیاسی و تشکیلاتی این جنبش می‌انجامد. در اینجا و قبل از پرداختن به نظریات این عده در دیگر زمینه‌ها این نکته را نیز در همین زمینه اضافه کنیم که تز انحرافی "ائتلاف موقت" کار مجموعه جنبش کمونیستی در درون طبقه کارگر را بعد از زدن به یک جریان موقتیک در درون این طبقه خلاصه نموده و بر یکی دیگر از مهمترین وظایف جنبش کمونیستی در قبال این طبقه، یعنی بر وظیفه دادن زدن به یک جریان قوی و همگون آید. تئوری مائوئیسم در درون این طبقه، بطلان می‌کشد.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که چگونه تز اینان صبی بر "ایجاد یک نوع ائتلاف سیاسی - عملی میان سازمانها، گروهها و محافل کمونیستی" که مبتنی بر نفع مابین تئوریک همکاری میان سازمانها

مانهای مختلف و نافی مبارزه بخاطر وحدت آید - تئوری مائوئیسم، سیاسی، عملی و تشکیلاتی جنبش کمونیستی ایران است، هم در جهت مخالف و هم در جهت جنبش کمونیستی ایران و هم برخلاف پیوند سوسیالیسم علمی با مبارزات طبقه کارگر سمیتریک نموده و در بهترین حالت، تکرار تجربه‌های درونک گذشته، بویژه تجربه ائتلاف سیاسی - عملی مائوئیسم در حزب توده سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ را در برابر جنبش ما قرار می‌دهد.

بهر حال، همزمان با این تز انحلال طلبانه در مورد جنبش کمونیستی ایران، اینان به مخالفت با حرکت وسیع کارگران برای ایجاد اتحادیه‌های کارگری واقعی خود پرداخته و تز اتحادیه‌های مخفی را در "حقیقت" کاذب شماره ۶ عنوان نموده و در ضرورت ایجاد اتحادیه‌های توده‌های کارگری نوشتند: "آیا در شرایط وجود فاشیسم و استبداد ایجاد چنین اتحادیه‌های بصورت علنی نامکان پذیر است؟ یا - سخ لیبرالها و رویزیونیستهای حزب توده به این مسأله البته مثبت است."

در گذشته، یعنی در هنگام تسلط رژیم پهلوی بر اوضاع، سازمان ما با توجه به شرایط بقیه در صفحه ۹

خیانت به سوسیالیسم

آنای تنگ سیافو پینگ، یعنی کسیکه بقول رفیق مائوئسه در "هیچگاه مارکسیسم را نفهمید" و میان سوسیالیسم و امپریالیسم فرقی نمیگذارد، در سفر پرسرودای دوماه قبلش به آمریکا در کنار مسائل دیگر اقدام به موضعگیری‌های یک دست ضد انقلابی بر علیه جنبش مردم ما نمود و بار دیگر نشان داد که طراحان و پیروان تئوری رویزیونیستی "سه جهان" چطور از پشت به جنبشهای آزاد یخس خلقهای ستمدیده خنجر زده و آنها را با امپریالیسم می‌فرودند. بنا به گزارش خبرنگارهای جهانی، تنگ سیافو پینگ به هنگام سرهم کردن یک اتحادیه نظامی با آمریکا، جنبش توفنده و انقلابی خلقهای مارا گامی در خدمت نفوذ و گسترش سلطه سوسیالیسم شوروی خوانده و از امپریالیستهای آمریکائی طلب کرده است تا از قدرت خود برای جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران استفاده کند. هدین فرد موقع عزیمت از آمریکا، به سیاست آمریکا در ایران "انتقاد" کرد و آنرا لیبرالی و سست خواند، زیرا بزعم آقای تنگ، امپریالیسم آمریکا باندازه کافی در ایران "قدرت عمل" نشان نداده و در نتیجه به نفوذ سوسیالیسم شوروی، که وی جنبش مردم ما را بیشتر مانع ناشی از آن و بازنده آن میدانند، پا داده است.

اکنون توسط حزب کمونیست چین دنبال میشود خط مشی ایست کاملاً رویزیونیستی و ضد مارکسیسم - لنینیسم، که بعد از درگذشت مائو تسه درون بر حزب و دولت، چین غلبه کامل یافته است.

لنین میگوید "جد کردن سیاست خارجی - جی" از سیاست بطور کل و یا بدتر قرار دادن سیاست خارجی در مقابل سیاست داخلی اساساً اشتباه، غیر مارکسیستی و ضد علمی است. " سیاست خارجی جمهوری توده‌های چین بر اساس تئوری رویزیونیستی "سه جهان" استوار است. رهبری کنونی چین با دستاویز قرار دادن "تغییر شرایط" تمامی مابنی و اساس آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم را در مورد تضادهای اساسی عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری و آزاد یخس جهان بزیروا گذاشته و با طرح ایجاد "جبهه واحد ضد شوروی"، که نیروهای متشکله در این "جبهه"، خود حین امپریالیسم آمریکا و امپریالیستهای اروپائی، ژاپنی و کشورهای باصطلاح "جهان سوم" (و از جمله سگان زنجیری امپریالیسم) می‌باشند، سازش پرولتاریا و خلقهای ستمدیده جهان را با امپریالیسم و ارتجاع تبلیغ نموده و همه جا به نفع انقلاب و جنبشهای رهائیبخش پرداخته و با مترجمین نیروهای تجاویزکار و درنده‌ترین فاشیستهای بدنام متحد شده‌است. اما این سیاست خارجی رویزیونیستی که همه‌جا حین را در مقابل حرکت و منافع خلقها و جنبشهای انقلابی قرار داده‌است، نمیتواند جدا و بدور از سیاست داخلی چین، یعنی سایه‌ای که سیاست خارجی چین بر آن استوار است، مورد بررسی قرار گیرد. زیرا سیاست داخلی و خارجی دوروی یک سکه و یکی بر اساس دیگری است.

بدنبال درگذشت مائو تسه درون رهبری آموزگار ارزنده پرولتاریای جهانی، چین و حزب کمونیست، حین دستخوش تحولات و تغییرات عظیمی شده است، تحولات و تغییراتی که رفیق مائو در زمان حیاتش بدست دربارش هشدار میداد و زندگی و مبارزه خویش را وقف جلوگیری از تحققشان نموده بود. نقطه آغاز این تحولات عظیم، کودتای ضد انقلابی در اردوستانه هواکوفنگ علیه چهارتن از رهبران حزب کمونیست چین می‌باشد. کودتای چهار

بقیه در صفحه ۹

درباره وقایع کردستان و انتخابات سنج

هفته گذشته کردستان بار دیگر مرکز حوادث و توجه بود. انتخابات شورای شهر سنندج که میخواست اولین آزمایش اعمال مائوئیسم کراسی توده‌های و سیردن کار مردم به دست خودشان باشد، بدست عوامل دروازه بسته‌های فاسد و ارتجاعی به هرج و مرج کشید و این شهر عملاً دوباره در آستانه یک جنگ خونین داخلی قرار گرفت و یورش جدیدی بر علیه مائوئیسم و حاکمیت خلق شروع شد.

از حوادثی که به جنگ داخلی سنندج در ایام عید منجر شد همه مطلعند و نیز می‌دانند که طرح ایجاد شورای شهر سنندج بعنوان یک راه حل برای پایان بخشیدن به برادرکشی و شعله‌های جنگ داخلی پیشنهاد شد و نیروهای انقلابی و مترقی همگی از این طرح با آغوش باز استقبال کردند. اما ایس فقط یک روی سکه و یک طرف قضیه بود، زیرا اگر چه همه نیروهای درگیر در حوادث سنندج به طرح شورا و انتخابات مائوئیسمی ظاهراً موافق نشان داده بودند، لکن آن دسته از نیروهاییکه از مردم نیستند و از حاکمیت مردم وحشت دارند از همان آغاز در صدد بودند تا این انتخابات و این آزمایش مائوئیسمی را به شکست بکشانند و اجرای مقاصد پلیدشان از هیچ توطئه‌های دریغ نداشتند.

گرچه بسیاری میکوشند تا مسئله کردستان را بصورت صحنه جنگ و دعوی "کرد و فارس"، "شیعه و سنی" و "کمونیست و مسلمان" تصویر کنند و بر حقایق سرپوش بگذارند، کردستان در واقع صحنه درگیری و مبارزه طبقاتی نیروهای و تنوعی است که در همه مسائل و از جمله انتخابات سنندج در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند.

در جریان انقلاب عظیم و توده‌های مردم ایران، کردستان نیز چون همه جای دیگر، اما با سرعت و شدت بیشتری، به دو قطب متخاصم سیاسی و طبقاتی تجزیه شد. این تجزیه که چون همه جای دیگر ایران، صفوف مائوئیسمی انقلابی را از صفوف پس ماندنهای رژیم سابق و همچنین نیروهای راست و سازشکار جدا کرد، سرمنشأ مبارزات جدیدی بود که در مضمون چیزی نیست مگر مبارزه میان ادمانقلاب و تعمیق دستاوردهای آن با جلوگیری از آن و پس گرفتن دستاوردهای انقلاب. تجزیه و مبارزه فوق در کردستان با شدت و عمق بیشتری

بقیه در صفحه ۸

جنگ برادرکشی در نرده، توطئه ارتجاع

(اعلامیه شورای هماهنگی جمعیت‌های کردستان)

شده که بعضی از ساکنین ترک زبان روستاها قبل از اینکه دهات گردنشین مورد هجوم قرار گیرند، برادران کردشان را از جریان مطلع کرد هاند تا شاید بتوانند جان خود و خانوادشان را نجات دهند.

حون پیوند و برادری این دولت همیشه خاری بود هاست در چشم مرتجعان، لذا قدرتهای خارجی و حکومت‌های ستگر داخلی بارها خواسته‌اند تا با ایجاد تفرقه این دولت میان رز را رود روی هم قرار داده، حاکمیت خویش را تحکیم بخشند. حکومت ننگین پهلوی برای استثمار بیشتر بارها از این حربه استفاده کرده و سیاست "تفرقه بیانداز و حکومت کن" را اعمال نمود هاست، اما در اکثر موارد این سیاست موفقیت نداشت ه است.

لازم است قبل از شرح وقایع نرده، عوامل و دستهای را که در اجرای این توطئه شکل گرفتن این جنگ برادر کشی موثر بود هانروشن کنیم تا هم میهنان عزیز نقشه‌های شومی را که عوامل ارتجاع و امپریالیسم بر علیه انقلاب شکو خود سیرد هاند و در چند مورد نیز مشاهده